فیلم و هنر

شماره ۴۵۶ - ۲۳ آبانماه ۱۳۵۲ - ۱۵ ریال



روابط عاشقانه ایرن با یکی از هنرپیشگان تازه وارد سینما !

ایرج رستمی در لوس آنجلس قهوه خانه باز کرده‌است .

مرجان، از همسرش جدا میشود ؟

دختر فریب‌خورده‌ای از خوانندگان فیلم و هنر کمك می طلبد..

این تهیه کننده فیلم‌های ایرانی از دست طلبکارها بخارج فرار کرد

ژاله کریمی در فیلم
[illegible] بازی میکند





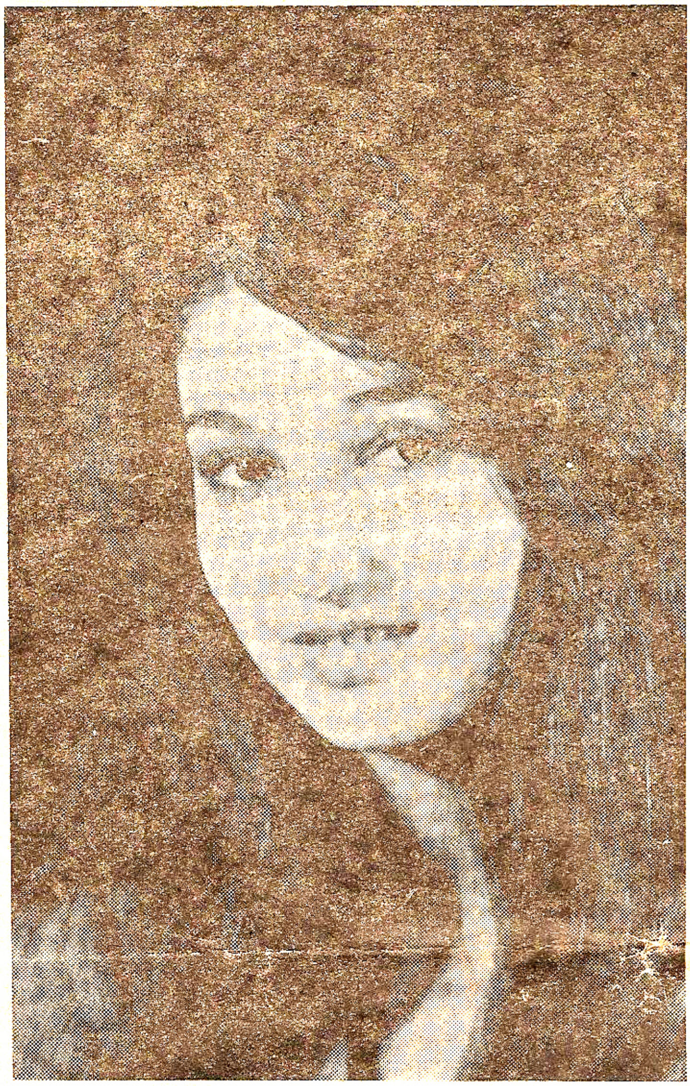
خامه پاک

صبحانه پاستوریزه

اشتها‌آور - لذت‌بخش

تهیه شده درکارخانجات لبنیات پاستوریزه پاک

P-52-23



مرجان ازهمسرش جدا میشود؟

درهفته‌های اخیر، درمحافل‌هنری شایع شدکه‌مرجان ستاره‌سکسی فیلمهای‌فارسی‌از همسرش جدامیشود. بهنگامی این شایعه قوت گرفت که‌مهدی علیمحمدی همسر هنرمند مرجان ازورودوا بعالم‌سینما اظهار تاسف وپشیمانی کرده‌بوده

روزی‌که مرجان به‌سینمارو آورد، یکی‌از شرایط فعالیت او این‌بودکه درفیلمهای‌سکسی بازی‌نمیکند. اما این اواخر تمام‌فیلمهای مرجان باچاشنی سکس او قاطی شده است.

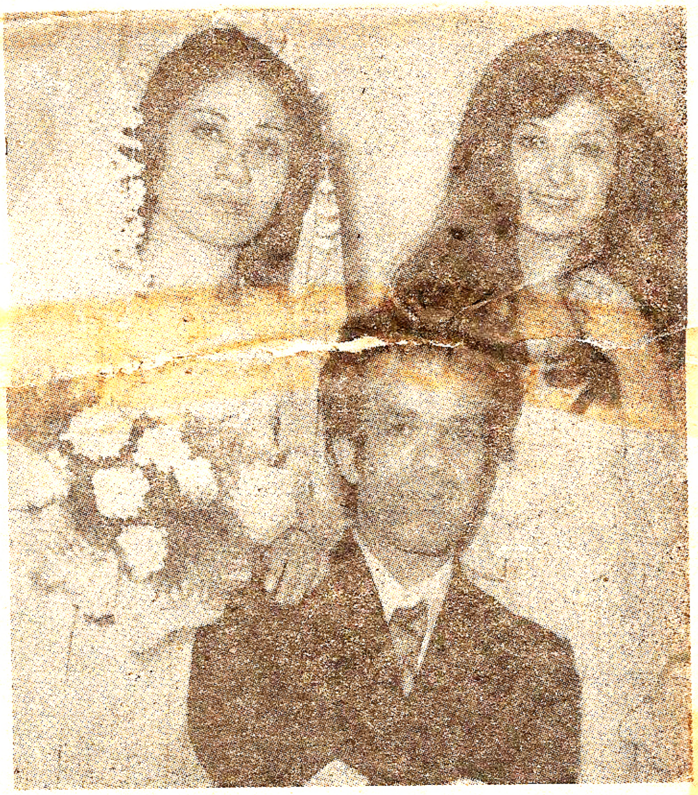
گویا اختلاف‌مرجان وشوهرش هم برسر این مسئله است.

کاترین وعشق کارگردان

اینطور که شایع شده است، میگویند که «کاترین» هنرپیشه فیلم «اکبردیلماج» بایکی از کارگردانان معروف سینمای فارسی طرح‌دوستی ریخته وهمیشه دوشادوش اودیده میشود.

هرچندکه عشقهای سینمائی تازگی ندارد، ولی میگویندهیچ بعید بنظر نمیرسد، که این‌دوستی بخاطرپیشرفت در سینما صورت گرفته باشد

آقای جدول، عروسی کرد



پنجشنبه شب‌هفته گذشته ،جهانگیرپارساخو کوتاه‌قدترین‌مرد مطبوعات و هنرپیشه اخیرسینما که درفیلم تختخواب سه‌نفره‌با نصرت کریمی همکاری کرد ، بالاخره پس‌ازمدتها پای‌سفره‌عقد نشست و با دوشیزه «سیما تبریزی» که ۲۲ساله ودیپلمه ادبی‌است ازدواج نمود

درجشن عروسی پارساخو گروهی ازهنرمندان معروف‌شرکت داشتند وهمچنین عده‌ای ازنویسندگان مطبوعات درجشن اوخدمت میکردند. امیدواریم آغاززندگی‌جدید پارساخو با نیك‌بختی‌توام باشد.

شهرآشوب

ستارگان سکسی زود فراموش میشوند

«شهرآشوب»ستاره نخست فیلم «جعفرجنی ومحبوبه‌اش» که اخیراً دوقراردادتازه با استودیو تخت‌جمشیدبامضاء رسانیده است، هفته‌گذشته، طی‌دیداری با خبرنگارفیلم وهنر،ازاینکه‌ستارگان سکسی‌باحربه‌سکس‌میخواهندسینما را فتح کنند اظهار تاسف کرد و گفت:

— نمیدانم چرا هرچهره جدیدی که‌میخواهد فعالیت سینمائی خود را شروع کند، بلافاصله‌جلوی دوربین لخت‌میشود وباین وسیله میخواهد راه پیشرفت خودرا در سینما بازکند وتوجه سینماگران را بسوی خود معطوف دارد. بنظرمن اینگونه ستارگان بعلت نداشتن استعداد هنرپیشگی‌خیلی زود ببوته فراموشی سپرده میشوند.

سپیده تکذیب میکند!

هفته‌گذشته خبری درمجله اطلاعات بانوان‌چاپ‌شده بود مبنی براینکه«سپیده» هنرپیشه معروف‌فیلمهای ایرانی بامردی‌باسم«کاوه» ازدواج میکند.

ولی‌روز سه‌شنبه‌پس‌ازانتشار اطلاعات بانوان، سپیده باعصبانیت تمام‌به ماتلفن‌زد، وخبرمربوطه رابشدت تکذیب کرد وگفت‌تابحال‌من‌جوانی‌باسم «کاوه» رادرزندگیم‌ندیده‌ام و اورا نمیشناسم.



فیلمها، مدعوین وهیئت داوران دومین جشنواره جهانی فیلم تهران ۵-۱۵ آذرماه ۱۳۵۲

● این هفته برنامه کامل دومین فستیوال جهانی فیلم تهران که از پنجم تا پانزدهم آذرماه در تهران برگزار خواهد شد در اختیار مطبوعات قرار گرفت دومین دوره جشنواره جهانی فیلم تهران خیلی وسیع تر و کامل تر از دوره قبل برگذار خواهد شد و برای شرکت در آن عده‌ای از هنرمندان سرشناس وصاحب نام سینمای کشورهای مختلف بتهران خواهند آمد.

دومین فستیوال جهانی فیلم تهران از چند بخش مختلف تشکیل شده که به این ترتیب برگذار میشود اطلاعات «درسینما دیاموند» مرور در آثار رنه کلر، درسینما شهرقصه مرور در آثار فرانك کاپرا «در سینما ونك» چشم انداز سینمای قاره آفریقا «درسینما سینه‌موند» بازارفیلم «درپنج سالن نمایش مرکز تحقیقاتی وزارت کار» و برنامه فیلمهای مسابقه «در تالار رودکی و با یك روز تاخیر درسینما شهرفرنگ لیست فیلمها و نام هیئت داوران ومدعوین به دومین فستیوال جهانی فیلم تهران بدین قراراست.

فیلمهای قسمت مسابقه دومین جشنواره جهانی فیلم تهران در تالار رودکی و سینما شهرفرنك

۱ـ لیبود و (استرالیا)

۲ـ یوآنا ، زن فرانسوی (برزیل) .

۳ـ کاموراسکا (کانادا).

۴ـ بدنهای بهشتی (کانادا).

۵ـ زمان درون خاطره (ژاپن).

۶ـ فریادها ونجواها (سوئد)

۷ـ عروس (ترکیه).

۸ـ ساندر (آمریکا).

۹ـ نامادری (شوروی).

۱۰ـ سربلند (سرافراز) (آمریکا).

۱۱ـ خوشبین‌ها (انگلستان).

۱۲ـ عروسی سنگ (رومانی).

۱۳ـ حدیث نفس (فرانسه)

۱۴ـ پائین شهر (آمریکا).

۱۵ـ لوکی لوچیانو (ایتالیا)

۱۶ حیوان وانسان (هلند).

● بعد از تماشای فیلم «گنج» از ابراهیم گلستان کمیته انتخاب فیلم ایرانی شرکت کننده در مسابقه دومین جشنواره جهانی فیلم تهران را انتخاب خواهد کرد قبلا فیلمهای تنگسیر «از امیر نادری» و «مغولها» از پرویز کیمیائی دیده شده است.

فیلمهای کوتاه قسمت مسابقه دومین جشنواره جهانی فیلم تهران در تالار رودکی و سینما شهرفرنك

۱ـ ژاك فدروشاهکارش (بلژیك)

۲ـ پرچم (کانادا)

۳ـ چهره (چکسلواکی)

۴ـ وای اتومبیل (آلمان غربی)

۵ـ شستشوی مغزی (هلند)

۶ـ پیت موندریان (هلند)

۷ـ بیشتر (آمریکا)

۸ـ حرف، حرف شماست (هندوستان)

۹ـ پابلو پیکاسو

فیلمهای قسمت اطلاعات دومین جشنواره جهانی فیلم تهران در سینما دیاموند

۱ـ ماه کاغذی (آمریکا)

۲ـ مترسك (آمریکا)

۳ـ لودویك (ایتالیا)

۴ـ خانه، خانه دلپذیر (بلژیك)

۵ـ ...وپسر (کانادا)

۶ـ دوچین برای زندگی (چکسلواکی)

۷ـ مزدور (انگلستان)

۸ـ تاثیر اشعه گاما (آمریکا)

۹ـ فرار (دانمارك)

۱۰ـ سومین (آلمان شرقی)

۱۱ـ سیندباد (مجارستان)

۱۲ـ ازقافله عقب مانده (دانمارك)

۱۳ـ بین دوستان (کانادا)

۱۴ـ جیمی هندریکس (آمریکا)

۱۵ـ نشانه‌ها (مراکش)

۱۶ـ مهاجرین (سوئد)

۱۷ـ هانیبال (سوئیس)

فیلمهای کوتاه قسمت اطلاعات دومین جشنواره جهانی فیلم تهران درسینما دیاموند

۱ـ کوارتت زهی (استرالیا)

۲ـ ۲۸ درجه بالای پائین (کانادا)

۳ـ ۱۹۷۲ (آلمان فدرال)

۴ـ شباهت (آمریکا)

۵ـ معبد... (کره جنوبی)

۶ـ هلن، ملکه دختران خواجه (انگلستان)

۷ـ فریدا کاهلو (مکزیك)

۸ـ چشم درون (هندوستان)

۹ـ تنها

۱۰ـ امکا

۱۱ـ فیلم فرانك

۱۲ـ اسکاگن ۱۹۷۲ (دانمارك)

۱۳ـ مسئله (ایران)

مروردرآثار فرانك کاپرا در سینما ونك

۱ـ جنون آمریکائی (۱۹۳۲)

۲ـ خانم یکروزه (۱۹۳۳)

۳ـ آقای دیدز بشهر میرود (۱۹۳۴)

۴ـ یك شب اتفاق افتاد (۱۹۳۴)

۵ـ افق گمشده (۱۹۳۷)

۶ـ نمیتوانی با خودت ببری (۱۹۳۸)

۷ـ آقای اسمیت بواشنگتن میرود (۱۹۳۹)

۸ـ جان دی را ملاقات کن (۱۹۴۱)

۹ـ آرسنیك و تور کهنه (۱۹۴۵)

۱۰ـ زندگی جالبی است (۱۹۴۷)

مرور در آثار رنه کلر دومین جشنواره جهانی فیلم تهران در سینما شهرقصه

۱ـ پاریس خفته (۱۹۲۳)

۲ـ آنتراکت (۱۹۲۴)

۳ـ زیر بامهای پاریس (۱۹۳۰)

۴ـ میلیون (۱۹۳۱)

۵ـ آزادی برای ما (۱۹۳۱)

۶ـ چهارده ژوئیه (۱۹۳۲)

۷ـ سکوت طلاست (۱۹۴۷)

۸ـ زیبائی شیطان (۱۹۴۹)

۹ـ گلهای شب (۱۹۵۲)

۱۰ـ مانورهای بزرك (۱۹۵۵)

۱۱ـ دروازه پاریس (۱۹۵۷)

مدعوین دومین جشنواره جهانی فیلم تهران

۱ـ گریگوری پك (فیلم «بیلی دوکلاهه» درخارج از فستیوال نمایش داده خواهد شد.)

۲ـ پیترسلرز (هنرپیشه فیلم خوشبین‌ها)

۳ـ کلودین اوژه

۴ـ مارلن ژوبر

۵ـ سیلوا کوشینا

۶ـ ویرنا لیزی

۷ـ کرك داگلاس

۸ـ اینگرید تولین (ستاره فیلم فریادها ونجواها)

۹ـ استلا استیونس)

۱۰ـ تریورهوارد (هنرپیشه فیلم لودویگ)

۱۱ـ ژان لوئی ترنتینان

۱۲ـ کلودیا کاردینا له

۱۳ـ کلودژاد

۱۴ـ فرانکوزفیره‌لی

۱۵ـ فرانچسکو روزی (کارگردان فیلم لوچیانو)

۱۶ـ مارتین ریت (کارگردان فیلم ساندر)

۱۷ـ برت‌هانسترا (کارگردان فیلم انسان وحیوان)

۱۸ـ آنتونی سیمونز (کارگردان فیلم خوشبینها)

۱۹ـ گراسیموف (کارگردان فیلم انسان دوستی)

بقیه در صفحه ۲۹



جوانهای تازه میدرخشند

عده‌ای معتقدند که بازیگران سینمای ایران فقط با یك فیلم میدرخشند. این حرف بجا و درستی است. زیرا وقتی از سعید راد فیلم «خداحافظ رفیق» و از «منوچهر احمدی» فیلم «صادق کرده» نمایش داده‌شد، بلافاصله کارگردانان دیگر بسراغ این دو نفر رفتند و از آنها برای بازی در فیلم دعوت کردند. من معتقدم که هر بازیگر با استعدادی خیلی زود جای خودش را در سینما باز میکند. مثلا همین آقای احمدی در پرتو استعداد خود در فیلم «صدای صحرا» بازی کرده و گویا قرار است نقش اول فیلم «اعدامی» کار بعدی امیر نادری را بعهده بگیرد.

امیدوارم که اینگونه جوانها جای قدیمی‌ها را پر کنند. زیرا ما از بسکه چهره‌های، قدیمی را روی پرده سینما دیدیم خسته‌شدیم.

البته فراموش نشود که آقای منوچهر احمدی شانس خود را در سینما مدیون مطبوعات هستند. حتما خودشان هم این موضوع را میدانند.

تهران ـ مصطفی قریشی

ایرج رستمی درلوس آنجلس قهوه‌خانه باز کرده است!

یکی از خوانندگان قدیمی فیلم وهنر که سالهاست دریکی از ایالات آمریکا به تحصیل اشتغال دارد چندی قبل گذرش به لوس آنجلس افتاده بود وهفته گذشته برای تجدید دیدار، برای مدت چند هفته به ایران بازگشت. وی چندروز قبل بدفتر مجله آمد وضمن صحبت‌هایش گفت:

ـ ایرج رستمی را درلوس آنجلس دیدم که در خیابان «ساندس» یعنی همان خیابانی که نمونه‌ی امضای هنرمندان با سابقه ومعروف روی دیوارهایش کنده‌شده «قهوه‌خانه باز کرده‌است و بطوریکه خودش میگفت یکی ازمشتریان پروپا قرص مغازه‌اش هم «ویگن» خواننده معروف ایران است که دراوقات بیکاری پیش او میرود وضمن خوردن چند قهوه خاطرات ایران را با او تجدید میکند.

شعر خوانندگان

عهد بستی

بباغ بازوانم خوش نشستی
تو با من عهدهای عشق بستی
دریغا چون پرستو پر گرفتی
نمك خوردی نمکدان راشکستی

از: احمد علی کاظمی





بقیه فیلمسازی آماتوری

موزیك نمایش‌دهد هیچ چاره‌ای ندارد جز اینکه در هنگام نمایش مرتب صفحه‌های گرام راعوض کند و بایستی اینقدر دراینکار تمرین ومهارت داشته باشد که بتواند درزمانی کوتاه مثل ۲ یا ۳ ثانیه این عمل‌را انجام‌دهد.

برای اینکار بایستی قبلا صفحه‌های انتخاب شده مرتب و ازروی برنامه‌ای که قبلاتهیه شده‌است کنار گرام طوری‌قرار گیرد که‌دسترسی به‌آنها به‌آسانی انجام‌گیرد وهمچنین ممکن است‌قطعه موزیکی که برای صحنه‌معینی انتخاب شده دروسط صفحه‌و نه‌از آغاز آن‌باشد که بایستی این‌قسمت‌را هم‌قبلا علامت‌گذاری کرد وهنگام عوض کردن صفحه‌ها نیز قبلا صدای صفحه اول را کـم‌کم آهسته کرده‌و بعدازعوض کردن‌بازصدای آنرا آهسته بحالت‌اول برگرداند چون برداشتن ناگهانی سوزن گرام ازروی صفحه وقطع موزیك‌و ایجاد سکوت ناگهانی باعث ناراحتی تماشاچی شده واثرصحنه از بین‌خواهد رفت وازطرفی برای فیلمساز بسیارمشکل است‌درزمانی که‌هم باپروژکتور وهم‌باگرام وصفحه‌ها کار میکند بتواند تفسیر نیز به‌فیلمش اضافه کرده وضمن‌نمایش گویندگی فیلم‌را نیز بطور زنده‌انجام دهد.

بنابراین نمایش این گونه فیلم ها فقط‌با همراهی موزیك آنهم باتفاصیلی که شرح‌داده شدامکان پذیراست.

برای اینکه تمام این زحمات واشکالاتی‌که در هنگـام نمایش برای فیلمساز پیش‌میاید ازبین‌برده شودهیچ چاره‌ای‌نیست جز‌اینکه‌کمی بیشتر وعمیق‌تر دست درجیب‌کرده ومخارج بیشتری را‌برای فیلمسازی متحمل‌شد.

امروزه درسینمای آماتوری دستگاه هاو وسائلی‌دراختیار فیلمساز آماتور است‌که دست‌کمی ازدستگاه های سینمای حرفه‌ای ندارند باوجودیکه ارزان‌تر وکاربا آنها آسان‌تراست به فیلمساز آماتور امکان میدهدکه فیلم خودش‌را چنان صدادار وناطق تهیه کندکه ازنظرفنی وتکنیکی بافیلم های حرفه‌ای مطابقت نماید.

البته این‌نکته‌را بایستی همیشه درنظر داشت‌که مسئله مالی دراین مورد رل‌مهمی رابازی مینماید باتوجه به این موضوع که دستگاه ضبط‌صوت ویادستگاه‌پروژکتور باصداویاوسائل‌دیگری که‌خریداری میشود ضمنا نبایستی گرانترین آنها باشد بلکه بابستی توجه‌داشت که‌ازعهده این‌دستگاه‌ها چه‌کارهائی برمیایدوآیا برای انجام‌هدفی که‌درپیش‌است مورداستفاده هستند یاخیر واز طـرفی ممکن است فیلمسازی بعلت نداشتن پول کافی قادرنباشد دستگاه ضبط صوتی تهیه‌کندکه بتواند صداهای مختلف‌مثل (دیالوك، موزیك وسرصداها) راباهم‌قاطی‌ویا باصطلاح سینمائی (میکساژ) کندومجبور باشد به یك‌دستگاه ضبط‌صوت ساده‌اکتفاکند

ادامه‌دارد

بقیه از حسن کچل تا ستارخان

واین‌جا افتادن بیشتی بخاطر کمپوزیسیون‌هاست وتقارن‌خاص معماری ایران درانتخاب زوایای فیلمبرداری‌شده توسط مازیار پرتـو، در صحنه‌ی افتتاحیه فیلم که‌فیکس می‌شود. بهروزوثوقی را می بینیم که ازطاق نمای‌خانه آویخته ومی‌میردوطوقی‌درفضای بسته‌ی‌زیرطاق نما مستاصلانه پروازمی کند. دراین پلان بسیارزیباوقشنگ‌با بهره گیری ازمعماری ایران، علی‌حاتمی به یك بیان‌رسا، واستتیك سینمایـی می‌رسد.

طوقی‌نیزمانندحسن کچل‌فروش فوق‌العاده‌ی بـالاتر ازیـك میلیون‌داداشت وامتیازی بودبرای‌علی‌حاتمی ازنظرتهیه کنندگان و نیزباعث شناسائی‌بهتراو بعنوان‌یك فیلمساز آگاه و یك نـویسنده هوشمند.

بعدازطوقی،مصیبی، تهیه کننده‌ایرانی‌دوقرارداد با علی‌حاتمی می بندد برای‌ساختن‌دوفیلم باباشمل‌وقلندر.

بـابـاشمل فیلمی است بـه سبك حسن کچل ، بصـورت آهنگین. رنگی و باشرکت‌هنرپیشگان‌معروف‌وگرانی نظیرفردین، فروزان. بهمن‌مفید،همایون‌و ناصرملك‌مطیعی و بـاین‌ترتیب مخارج فیلم بمبلغ سرسام‌آوری می‌رسد، اماهرگزمنظور تهیه کننده برآورده نمی‌شودو باباشمل‌مثل‌حسن کچل نمی‌فروشد. فیلم بازیان‌قابل‌ملاحظه‌یی مواجه می‌شودواین‌شکستی‌است برای‌علی‌حاتمی درعـرصه‌ی سینمای بی‌ثبات ایران که معیارهای بی‌ثبات‌تری‌دارد.

بدون شك اگـرقـرارداد ساختن قلندرقبل‌ازنمایش فیلم باباشمل‌بسته نشده بود،هرگزفیلمی بنام‌قلندرساخته‌نمی‌شد. واتفاقاً‌قلندرهم‌فروش‌نکردو بازیان‌مواجه‌شد.

درضمن‌قبل‌ازنمایش فیلم باباشمل‌فردین باعلی‌حاتمی قرار دادی‌می بنددبرای ساختن فیلمی‌بنام«مترسك» که‌قراراست درمایـه باباشمل‌ساخته شود. آهنگهای فیلم‌ضبط‌می‌شودومقادیری ازکارهای مقدماتی‌انجام‌می گیرداما وقتی‌باباشمل‌باعدم استقبال عمومی روبرو می‌شود فردین ازساختن «مترسك» منصرف‌می‌شودوفیلم‌معلق‌می‌ماند که هنوزهم!

ودراین‌جا برمی‌خوریم که‌مشکل‌عدم آگاهی‌به مسائل جامعه شناسی ازطرف تهیه کنندگان ایرانی . اینهاهـرگاه فیلمسازی را موفق ببینند بسرعت بسراغ اومی‌روندوقرارداد بعدازقرارداد است که امضاء می‌شوداما به مجرد اینکه اولین شکست را درکارفیلمساز موفق دیروز ببینند دیگر به هیچ‌وجه حاضر نیستند با او کار کنند بدون اینکه بخواهند بدانند که علت عدم موفقیت اوچه عامل‌یا عـواملی بوده است!!

بعدازشکست فیلمهای باباشمل وقلندرمدتـی‌وقفه و سکوت درکار علی حـاتمی دیده می‌شود وبعد پـرویـزصیاد بسراغ علی حاتمی‌می‌آید واین‌دودرکنارهم دوفیلم خوب خواستگارو ستارخان را می‌سازند.

علی‌حاتمی درخواستگار به تجربه‌های تازه‌ای دست می‌زند. پرویزصیاددراین فیلم نقش آقا معلم بی‌دست‌وپائی رااجرا مـی کند که درتمام طول‌زندگیش موردتظلم‌مردم‌قرارمـی گیرد. اوعمری را برای‌خواستگاری دخترموردعلاقه‌اش (زری‌خوشکام) سپری می کند وزمانی به وصال‌دخترمی‌رسد که دیگرچیزی‌اززندگیش باقی‌نمانده است،خواستگار یك کمدی درام جالب است که ازسوژه وپرداختی کاملا بکر برخوردارمی‌باشد

اما باکمال تاسف خواستگار نیز ازلحاظ فروش فیلم‌موفقی نیست.

بعدازآن علی‌حاتمی رادر ستارخان درهیئت و هیبت‌تازه‌ای میبینیم. علی‌حاتمی درستارخان به‌تجربه‌ی‌یك حماسه‌ی تاریخی‌دست می‌زند.

بقیه در صفحه ۳۴

بقیه فریب‌خورده

دوروز بعد پدرم به‌من گفت:

ــ فریده، امروز ظهر یکی ازدوستانم دعوت کرده تا نهار را میهمان او باشیم.

بپدرم گفتم:

ــ اشکالی نداره، مگه‌مامان نمیاد؟

ــ نه‌اون‌سرش درد میکنه.

ــ باشه، من باهات‌میام.

وقتی‌ظهرشد، همراه پدرم بخانه دوستش رفتیم.

هنگامیکه وارد خانه شدیم ناگهان چشمم بهمان جوانکی افتادکه دوروزپیش تودریامزاحم من‌شده بود. او هم از دیدن من جا خورد، امـا بروی خودش نیاورد و ما را باطاق پذیـرائی راهنمایی کرد.

تاغروب درمنزل آن‌جوان که اسمش «نادر» بود، ماندیم. و بعد که خواستیم آنجاراترك کنیم، نادر آهسته بکنارم آمد وگفت:

ــ جداازشما معذرت‌میخوام که تودریامزاحمتون‌شدم،

سرخی‌تندی روی گونه‌هایم دویدو گفتم:

ــ اشکالی نداره.

نادر ماراتابیرون خانه‌اش بدرقه کرد وهنگامیکه ما سوار تاکسی‌شدیم‌هنوزچشمان‌اورا میدیدم که بدرقه راهما بود.

☆☆☆

دوستی‌من‌ونادر بهمین‌سادگی شروع شد. اودررشته‌پزشکی‌درس میخواند وآخرین‌سال‌دانشکده‌اش رامیگذراند.

در طول مدتی که مادرکنار دریا بسرمیبردیم هرروزمن‌ونادر دورازچشم پدرومادرازساحل دور میشدیم وبایکدیگرتادوردستهاشنا میکردیم.

یکروزنادر بمن گفت:

ــ هیچ‌میدونی چقدر دوستت دارم.

خیلی ساده حرفش را باور کردم.

چون درمدت دوماهی که در کناردریا بودیم، دوستی من‌ونادر اینقدرعمیق شده‌بود که میتوانستم هرچه میگوید قبول کنم.

آنروز من‌درجواب‌او گفتم:

ــ تا بحال هیچ پسری تو زندگی‌من‌نبوده، من برای اولین باره که بایه‌پسردوست میشم. ازت میخوام که هیچوقت بمن‌دروغ‌نگی ومنو تنها نذاری.

نادرمرادرآغوش‌خودگرفت‌و وگفت:

ــ فریده، بمن اطمینان کن.

آنگاه نادرلبهای مرابوسید ودستهایش‌را بدورکمرم‌حلقه‌کرد. گرمای‌تندی بتمام بدنم‌دویده‌بود قلبم‌باشدت‌میزد، پاهایم سست‌شده بود. خودم‌رامحکم به‌نادر فشردم وگفتم:

ــ بامن‌ازدواج‌میکنی؟

نادر گفت:

ــ چطورمیتونم بی‌توزندگی کنم؟

آنشب تادیروقت من و نادر باهم‌درساحل‌قدم میزدیم. وقتی میخواستم‌ازاوجدابشوم، دستم را گرفت‌وگفت:

ــ حالانمیخواد بری

وبعدمرا بغل‌زد وتمام‌بدنم‌را غرق بوسه کرد.

آنشب من ونادرآنچنان در هم‌غرق‌شدیم که وقتی بخـودآمدم ناگهان احساس کردم کـه سپیده میزند وخورشیدازآنسـوی دریا بالامی‌آید.

هنگامیکه بلندشدم دیـدم نادرمشغول‌شناکردن استوازدور دارد با دست مرا صدا میکند.

با ناراحتی بلندشدم‌وخودم را به‌نادر رساندم وگفتم:

ــ حالا میخوای‌چیکارکنی.

گفت: ــمیام‌خواستگاریت‌غصه‌نخور.

☆☆☆

درآخرین‌روزهای‌شهریـور وقتی ما بآبادان‌بازگشتیم،دیگر ازنادر اثری‌ندیدم. او بمن‌قول داده بودکه حتما بخواستگاریم بیاید، وآنشب مرا فریب‌داد.

چندماه پیش ازترس اینکه مبادا شکمم بالا بیاید بـدکتر مراجعه‌کردم وباپس اندازاندکی که‌داشتم‌کورتاژکردم. امااز‌همه بدتراین بودکه چند وقـت پیش برایم خواستگاری آمدومن‌مجبور شدم‌که جواب رد باو بدهم.

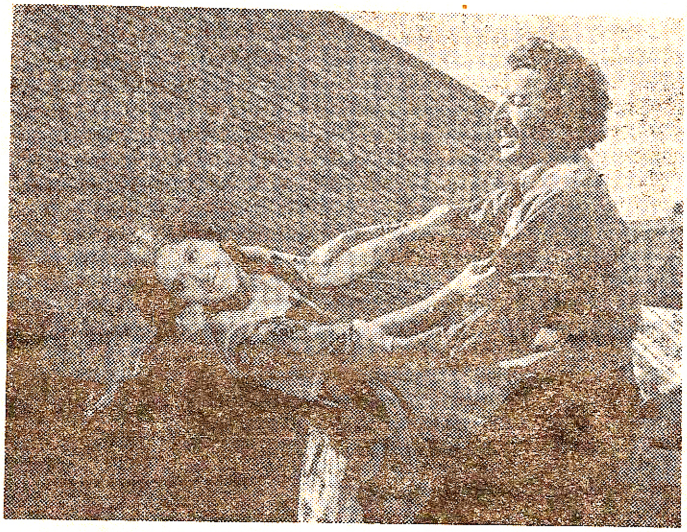
فریده ــ پ

☆☆☆

فیلـم‌وهنر: مـا از تـمـام خوانندگان عزیزوهمیشگی مجله فیلم‌وهنر میخواهیم تا فریده را راهنمائی کنند و باو بگویند که برای نجات‌ازداغ بدنامی‌چه‌راهی را انتخاب کنند.

پاداش بزرگ

فیلمی باشرکت نام‌آوران سینمای ایران



بهمن مفید و نوش‌آفرین درصحنه‌ای ازپاداش بزرگ

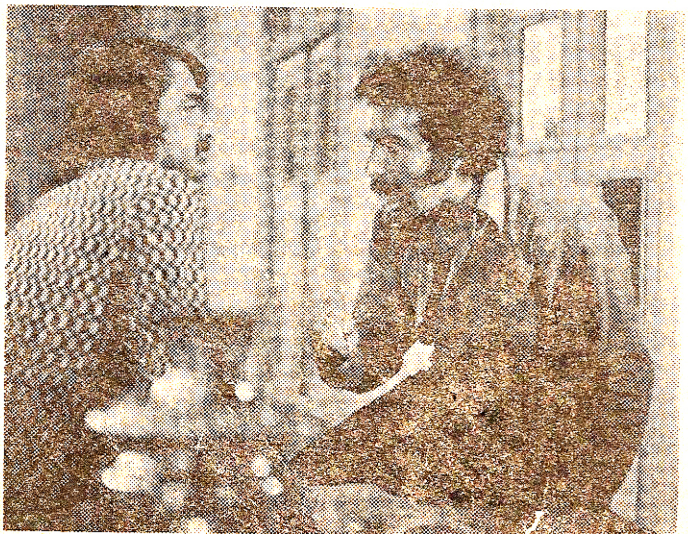
قدرت‌اله بزرگی که امسال‌فیلم «طاهر» رااز او دیدیم اینك برای سازمان سینمائی نگاه مشغول ساختن فیلم‌تازه‌ای است بنام «پاداش‌بزرگ» که در آن عده‌ای‌از هنرپیشگان خوب سینمای ایران مثل‌بهمن‌مفید، نوش‌آفرین علی‌آزاد. شهرآشوب،احمدمعینی علی‌زندی، محمودصفائی وچهره‌جدید شهرام که اورا برای‌اولین‌بار درفیلم طاهردیدیم شرکت دارند.

بزرگی که فیلم طاهر اورا گروه نمایش دهنده بـا فروش نسبتاخوبی بعداز یك‌هفته نمایش تعویض‌کرد سعی‌دارد با «پاداش بزرك» بهترین‌کار سینمائی خودرا ارائه‌دهدچون بعدازدرگیرهائی که‌باپخش‌کننده فراری فیلم‌طاهر پیدانمود وسروصدا هائی که در موردلغوشدن‌کارت‌کارگردانی اوازطرف اتحادیه بلند شد لازم‌بود آبروی خودرا رونماید تابتواند درآینده بهتر ازگذشته نقش سازنده‌گی خودرانمایان گرداند.

دراین‌راه «کاظمیان، تهیه‌کننده این فیلم‌و «شهرام» که‌در فیلم‌طاهر نیز اورایاری میکرد واین‌بار نیز ضمن ایفای یکی از نقش‌های حساس‌پاداش بزرك‌اورا دراین راه یاری میکند. به‌کمك او آمده‌اند بهمین‌جهت امیدواراست بتواند باارائه پـاداش بزرك کاری‌راکه‌موردقبول سینماگران ومردم خواهدبود. انجام‌دهد.

هم اکنون آخرین مراحل فیلمبرداری پاداش بزرك توسط «آراکل» انجام‌میشود وتایکی دوهفته‌دیگر بپایان‌خواهدرسید.

بهمن‌مفید و شهرام درصحنه دیگری ازفیلم



بقیه هوشنگ حسامی

جدا از این مسائل تجاری، روزنامه‌ها و مجلات ایرانی هنوز سینما را امری تفننی و نه جدی تلقی می کنند. منتقد فیلم یك روزنامه ضمن همکاریهائی که در روزنامه دارد نقد فیلم هم مینویسد و چون اینکار را واقعا پس از انجام وظایف اصلی‌اش امیکند، معلـوم است که چیز خوبی از آب در نمیاید.

وقتی اصولا به نقد فیلم توجه نمیشود، وقتی منتقد ناچار است برای تامین زندگیش همه کار بکند جز حرفه اصلی‌اش و این حرفه را فقط از سر شور و شوقی که آنهم بالاخره حدی دارد انجام دهد، وقـتی روزنامه‌ها ومجلات حاضـرند برای تهیه خبـر وعکس از چهار قلـو زائیدن زنی در فلان شهر خبرنگار بفرستند اما حاضـر نیستند منتقد خود را روانه فستیوال‌های دنیا بکنند. وقتی منتقد ناچار است مراقب جیب صاحب کارش هم باشد و اگر نباشد او را از نان خوردن میاندازند وخیلی دردها و زخمهای عمیق‌تر از اینها وجود دارد چطور انتظار دارید که منتقد وظیفه اساسی‌اش را انجام دهد. و حالا باین همه اضافه کـنید عدم مطالعه منتقد وعدم امکانات لازم برای هرچه بیشتر فیلم دیدن او و ببینید که چه آش درهم جوشی میشود و چگونه میتوان امیدوار بود که یك فرهنگ سینمائی آرزو شده بوجود آید.

گفتم وضع در فرنگستان هم همین‌طور است یك ماه پیش که در لندن و پاریس بودم بچشم دیدم که سینمای مورد علاقه مردم چیست! لندنی مثلا بافرهنگ برای دیدن فیلـم «مشتی خشم» که از این فیلم کارته‌ای‌هاست دو کیلومتر صف درست کرده بود امـا در سالنی که فیلم «جذابیت‌های پنهانی بورژوازی» بونوئل را نشان میدادند جمعاً ۱۵ نفر هم دیده نمیشد!

براستی با دیدن این شرایط وحشتناك که دقیقاً ناشی از هدفهای سرمایه‌داری است انسان از خودش میپرسد برای کی و به چه عشقی بنویسد؟ و وقتی دوائی میگوید «خسته شدم» راست میگوید و اگر چند تایی از ما هنوز ادامه میدهیم واقعاً پوست کلفتیم و نمیخواهیم بخودمـان به قبولانیم که در این مبارزه، در مبارزه با سینمای نحیف، کثیف، پلید و آلوده شکست خورده‌ایم.

وقتی تماشاگر در یك جشنواره فیلم «بازگشت یکه‌سوار» را هو میکند و برای فیلم «سازدهنی» هـورا و نعره میکشد دیـگر چه امیدی میتوان داشت؟

اینها باصطلاح تماشاگران برگزیده‌اند وای بحال دیگران نه، خلاصت کنم ما پس از سالها نتوانسته‌ایم [یك فـرهنگ سینمائی درست بوجود آوریم و آندسته از کسانی را هم که میبینید خودشان را تشنه فیلمهای خوب نشان میدهند بیشتر از روی تظاهر است و فیلم خوب را واقعاً درك نمیکنند و تازه همین‌ها یواشکی میروند بدیدن فیلم «صمد به مدرسه میرود» و کلی هم کیف میکنند.

ادامه دارد

از صبح چهارشنبه در بزرگترین گروه سینمایی پایتخت

آسیا ـ رکس ـ شهوند ـ ژاله ـ نپتون ـ توسکا
لیدو ـ پاسارگاد ـ المپیا ـ شرق ـ فیروزه

یک فیلم استثنائی برای پدرها ـ مادرها ـ بچه‌ها و خانواده‌ها



همزمان با تهران در بیش از ۶۰ سینمای شهرستانها

بقیه مهرجوئی

فیلم دارا بود، تکنیک و صحنه پردازی‌اش بود که به نسبت فیلم‌های ایرانی آن زمان تا حدودی پیشرفته‌تر می‌نمود.

☆☆☆

بدنبال الماس سی و سه. مهرجوئی **گاو** را ساخت. این فیلم که اقتباسی بود از یکی از قصه‌های کتاب عزداران بیل غلامحسین ساعدی. درست نقطهٔ مقابل آن کار اولش بود. فیلم گاو بدون شك می‌خواست يك اثر (جدی) باشد. کاری بدور از قراردادهای رایج سینمای ایران. و تا حدودی هم در این مورد توفیق داشت. عیب اساسی اثر سنگینی محتوی بر حرکت طبیعی فیلم است. بدین صورت که این موضوع و قصه فیلم است که در وهلهٔ اول رخ نشان میدهد و فیلم را بجلو میراند نه خلاقیت و کارگردانی مهرجوئی. اما با این همه وی در مواردی از قبیل ایجاد يك آتمسفر سیاه و شوم، فضائی رئالستیك که هاله‌ای از سوررئال آنـرا احاطه نموده، و در همین زمینه درك تم اصلی اثر ساعدی و تا حدودی درست برگرداندنش به قالب و ساختمانی سینمائی توفیق داشته و این خود مهم است گرچه نه در يك کلیت. و همچنین نه در آن حد که برایش جنجال درگرفت البته بعد از فستیوال ونیز. کلا باید گفت فیلم گاو يك حرکت نسبی در راه عمق دادن بموضوع و پرورش آدمهای واقعی و محیطی واقعی در دل سینمای گمراه آن زمان و این زمان ایرانی بود و اما باید اضافه کرد که نقص عمومی و کلی فیلم‌های بعدی مهرجوئی (تحمیل جهان بینی و عقاید خصوصی سازنده به اثرش) بصورت يك رگه و قشر تقریباً نامحسوس در گاو وجود داشت (که آنهم بدلیل بعد خود قصه بود) و از عیوب دیگر این اثر «میزانسن»های گاهگاهی تئاتری آن بود که فیلم را از حوزه‌های سینما دور میکرد.

☆ * ☆

بعد از گاو میرسیم به هالو. اگر در گاو سازندهٔ اثر با قصه‌ای محکم و دارای استواری دراماتیکی ادبی روبرو بوده و از این جهت امکان میرفت که فیلم به سقوط کامل کشیده شود.

اما ایجاد کردن يك فضای کما بیش سینمائی و نیز صمیمیتی در پرداخت اثر، کوشش هایی را از سوی کارگردان در مقابله با این حکومت قصه بر فیلم نشان میداد و این امتیازی بود.

اما در هالو این امتیاز پرداخت سینمائی مهرجویی نیز از وی سلب می‌شود، (هرچند مقداری به زندگی و اصالت آن توجه شده بود) هالو کلا بیانی ادبی و کشدار را بدوش میکشید (و ایـن بویژه در شخصیت پردازی آقای هالو که نقطهٔ ثقل فیلم بود. با آن لحن صحبت کردن و کاراکتر اصالتا ادبی‌اش بچشم میخورد).

ریتم. اکسیون و تمام حالت‌های سینمائی در این اثر جای خود را به لفظهای ادبی و در بیشتر موارد (تئاتری) سپرده و جای خالی سینما در آن کاملا بچشم میخورد. وهرچند که هالو نیز درجهت يك سینمای سالم حرکت میکرد، ولی در کل باسقوط همراه بود.

☆☆☆

بعد از ایـن ۳ فیـلم میرسیم به پستچی. کـه می‌بایست و شاید می‌خواسته کاملترین اثر مهرجویی باشد ـ که نیست.

فیلم پستچی درست آن عیب اساسی کارهای مهرجویی (تحمیل جهان بینی و نظریات شخصی فیلمساز) را بطرز کاملتر و بالغ‌تر از کارهای قبلیش درخود دارد و شکست حقیقی فیلم نیز از همین جا سرچشمه میگیرد.

مهرجویی در پستچی بعد انسانی و حساسیت‌های لازمهٔ بشری را فدای ایدئولوژی خـویش نموده و آدمهای اثرش را تا حـد عروسك‌های خیمه‌شب بازی که از بیرون هدایت می‌شوند بدون اینکه واقعا زنده باشند درآورده است. و این اصلا خلاف خلاقیت در يك کارهنری است.

اشتباه بزرگ مهرجوئی این است که فیلمسازی را که بیشتر کـاری هنری است. و ماهیتا دارای ارزشهای احساسی می‌باشد. فـدای ادراکات و نحوهٔ نگرش خویش به جهان نموده و بطور کلی سینما را با کلاس جامعه‌شناسی اشتباه گرفته است.

و این از يك جهت واقعا باعث تاسف است زیرا که مهرجویی در همین پستچی نحوهٔ استفاده از دوربین و تسلط خود را بر اجزاء صحنه نشان میدهد و ایـن نشانی از توش و توان فیلم سازی وی می‌باشد.

اما افسوس که کارش از حساسیت‌های لازمهٔ يك هنرمند خالی است.

☆☆☆

و اما چرا این مقال نوشته شد. توضیحاً باید گفته شود که نه آن ستایش‌های بی‌جا و نه ایـن انتقادهای غیراصولی و نه حتی مقایسه مثلا دو فیلم از کارهای این کارگردان می‌تواند شناخت درستی از کارهای وی بدست دهد.

کاری که لازمتر به نظر می‌رسد، روشن کردن موقعیت و وضع فیلمساز برای خودش و تماشاگرش می‌باشد. کاش مطلب حاضر تا حدی درخدمت این مهم بوده باشد.

بقیه کورش یغمائی

(تن) صدای خودم ساختم، ثانیا امیدی به موفقیت گل یخ نداشتم چرا که آهنگ گل یخ يك جاز واقعی است. درحالیکه موسیقی جاز در ایران بصورت واقعی ساخته نشده است. این نوع آهنگهائی که ما با آنها جـاز می‌گوئیم، جاز نیست. يك نوع آهنگهای مردم پسند است که با سازهای غربی اجرا می‌کنند.

موسیقی جاز بقدری وسیع است کـه من در موردش نمی‌تـوانم چیزی بگویم. و اما اینکه بعضی‌ها صدایم را بدقلمداد کـرده‌اند، باید دید اینها کی هستند؟ اگر آدمهائی عادی هستند کـه باید گـفت سلیقه‌ها مختلف است. ولی اگر صلاحیت تشخیص صدا را داشته باشند، باید به بحث نشست و نتیجه گیری کرد. بطور کلی گل یخ کار دلخـواه من نیست، چون بزودی راه صحیح‌تری در مورد همین جازهای ایرانی ارائه خواهم داد که بجرأت می‌توانم بگویم گل یخ آنوقت از نظـر من صفر خواهد بود.

● جدیداً چه ترانه‌ای در دست تمرین داری؟

یغمائی: آهنگی از ساخته‌های خودم دارم به نام (پائیز) که شعر آنرا مانی مطیعی گفته. البته این همان کاریست که قبلا اشاره کردم. کاری که سعی کردم شعر در خدمت موزیك باشد نه بالعکس.

● از خصوصیات خودت بگو.

یغمائی: ازدواج کـرده‌ام و دارای دو پسر چهار و دوسالـه می‌باشم.

● آیا خانم تو از اینکه در کارهای هنری هستی ناراحـت نیست؟

یغمائی: از آنجا که همه‌ی زنها حسود هستند شکی نیست ولی او با کار من مخالفتی ندارد ولی چون ایجاب می‌کند که برخوردهائی با همکاران زن داشتـه باشم از این موضوع نگران است و من چون خیلی بخانم علاقـمند هستم در هر کجا که باشم بعد از اتمام برنامه خیلی فوری خودم را بمنزل میرسانم تا مبادا در مورد من بدقضاوت کند و یا مشکوك شود.

بقیه برهنه‌ای در کویر

ــ اون‌میخواست منو بی‌عفت کنه...

دو مــرد بلوچ حیرت زده پرسیدند: کشته شده؟ آنگاه نگاهی بیکدیگر کردند ویــکی از آنها غرید:

ـ لعنتی! بالاخره کارخودتو کردی .

ومرد دیگر بموهای‌من‌چنگ زد و گفت :

ــ سلیمه ،هیچ میدونی اگه پسرای عثمان بفهمن که پدرشونو کشتی چیکارت میکنن ؟

جلوی پای‌دومرد پلوچ‌زانو زدم و بگریه گفتم :

ــ میدونم ...اما من ازشما میخوام که جوونمردی کنین،منو نجات بدین ...شماها میدونین که من عثمان‌رو بیخودنکشتم، اگــه پدرم و برادرهایم میفهمیدن حتما عثمان رومی کشتن ..

هردواز بــالای سرمن کنــار رفتند و باهم‌مشغول صحبت‌شدند.

پس ازچنددقیقه که بــرمن خیلی سخت وسنگین گذشت یکی ازآندو بطرف‌شترش رفت‌وسوارشد ودیگری بطرف‌من آمد و آهسته‌زیر گوشم گفت :

ــ اگرمن تورونجــات بدم حاضری باهم‌فرارکنیم ؟

این تنهاراه فرارازمــرگ بودو اگرحرف اوراقبول نمیکردم بدست پسران‌عثمان اسیرمیشدم و هیچ معلوم‌نبود که چه بروزم‌خواهد آمد .درجوابش گفتم :

ــ آره ، باهات‌میام ..

مردبلوچ گفت :

ــ پس‌صبر کن من بارفیقم کار دارم .

ازمن جداشدو بطرف دوست خودکه سوارشترشده بودرفت من درتاریکی وحشتزای کویر بدرستی نمیتوانستم آنهارا ببینم، اما احساس کردم که مردبلوچ نقشه‌ای‌راطرح کرده‌است ...، وهنوزدراین فکر بودم که فریاد مــرد شترسوار در تاریکی گم شدو بعدصدای‌خنده‌آن یکی .فضارا پرکرد .

فریادزدم :

ــ چرارفیقتو کشتی ؟

ــ اون‌مزاحم ما بود !

بسرعت شترخود راکه روی زمین خوابیده بود بلند کرد ومرا جلوی خودنشاند وگفت :

ــ اگربخوای بامنم‌همــون معامله رابکنی که با عثمان کردی بهت مهلت نفس‌کشیدن نمیدم ؛ یادت باشه‌دست ازپا خطانکنی ، وگرنه ..

ــ باشه‌هرکاری تو بگی‌میکنم زودباش ازاینجادوربشیم .

احساس میکردم که دارم از زندگی همیشگی خودفاصله‌می‌گیرم احساس‌کردم که آرامش همیشگی زندگیم‌بهم خورده وناخــودآگاه بماجرائی کشیده شده‌ام که بیشتر بخواب وخیال میماند تا بحقیقت.

هرآن‌منتظر بودم که‌پدرم و برادرانم از قلب تاریکی نهیب بــزنند و سربرسند، اما هیچ‌خبری نبود . مردبلوچ‌پاهایش را بدوطرف‌شتر خود جفت‌کرد و شترجمازه بدل کویرسرد وتاریك شتافت .

نمیدانم تا چه موقع درراه بودیم، وقتی چشمانم را بازکردم دیدم‌آفتاب روی‌زمین پهن‌شده و دیگرازسرمای‌طاقت‌فــرسای شب خبری نیست وگرمای روزکویر دقیقه بدقیقه بیشترمیشد .

هراسان سربلندکردم، دیدم مردبلوچ بالای سرم‌نشسته‌است و دارد زل‌،زل مرانگــاه میکند .

پرسیدم :

ــ اینجا کجاست ؟

درحالیکه نگاهش را بدور دستها میدواند، گفت :

ــ کویر !

گفتم :

ــ میدونم درکویر هستیم ، ولی کدوم‌طرف .

بچشمانم خیره‌شد وگفت :

ــ نزدیك مرز افغانستان .

پرسیدم :

ــ افغانستان ؟

ــ آره .

ــ چرا اینجا ؟

ــ برای اینکه میخوام تو زنده‌بمونی ، اگــر بقلعه لادیــز برگردیم‌هم من‌وهم‌تورامی کشند .

ــ پس میخوای چیکارکنی؟

خیلی خونسردگفت :

ــ میخوام تورو بافغانستان ببرم.

ــ من اونجا نمیام، من‌پامو ازوطن خودم بیرون نمیذارم ، من دلم میخواد تو همین کویر بمیرم‌وزیرخاکهای داغ کویردفن بشم .

ناتمام

پرواز بدون توقف به فرانکفورت

ساعت ۶/۳۰ بامداد

هر دوشنبه و پنجشنبه

بـــا «هما»

.... واین یکی دیگر از ۱۸ پرواز هفتگی «هما» به اروپاست.

روزهای دوشنبه و پنجشنبه هرهفته یکی از جت های بوئینگ هما
با پرواز بدون توقف تهران را به قصد فرانکفورت ترک میکند.
علاوه براین ما میتوانیم یکی از پنج پرواز هفتگی به فرانکفورت را بشما پیشنهاد کنیم. با این پیشنهاد
اکنون شما میتوانید هرروز به فرانکفورت پرواز کنید.
اگر برای کار یا تفریح به اروپا میروید، با هما سریع‌تر به مقصد میرسید، هما امکانات بیشتری بشما میدهد.

برای رزرو جا با آژانس مسافرتی خود یا با تلفن ۹۷۹۰۱۱ تماس بگیرید



نشریه هفتگی

فیلم و هنر

صاحب امتیاز و مدیر

عبدالمجید رمضانی

آدرس اداره: ابتدای روزولت - شماره ۲ - آپارتمان شماره ۱۰
آدرس پستی: صندوق پستی ۱۹۴۷

تلفن هیئت تحریریه: ۸۳۲۶۳۵
چاپ تهران مصور (تلفن ۳۱۵۱۸۰)
گراور: جواهری تلفن (۳۹۲۴۱۱)

شماره ۴۵۶-۲۳ آبانماه ۱۳۵۲
۱۵ ریال

درباره روی جلد

ژاله کریمی چهره‌ای که بوسیله نصرت‌اله وحدت در سینما کشف شد، پس از موفقیتهای خیره کننده‌ای که ضمن همکاری با وحدت بدست آورده است وهم اکنون مشغول بازی در آخرین «فیلمش باهمه چیز و بی‌همه‌چیز» می‌باشد و فیلم «پسرخوانده» از او این هفته نمایش، داده میشود بزودی در یک فیلم هنری از یک کارگردان جوان شرکت خواهد کرد و با این ترتیب نام خود را بیشتر در سینما تثبیت مینماید.

با احتیاط فیلم بسازید!

در شرایطی که تمام سینماگران برای یک سینمای ایده‌آل بسیج شده‌اند مشگل بنظر میرسد، که دیگر سودای فیلمسازی «آسان‌پسند» مقبول طبع تماشاگری بیفتد، که دلش می‌خواهد سینمائی درسطح حداقل فیلمهای خارجی داشته باشد.

از سالها پیش که سینما در ایران نضج گرفت. نیاز مبرم بیک سینمای قابل تفکر، پرمغز وصاحب سبك واندیشه داشتیم ... واین نیاز بهرحال دیر یا زود باید بارور میشد.

تاهمین چند سال پیش که گروهی از سینماگران، مثل آب خوردن فیلم می‌ساختند هیچ باین نکته نیندیشیده بودند که بالاخره زمانی رودر روی تماشاگری قرارخواهند گرفت که ازاو خواهد پرسید:

— هدف و ایده تو در سینما چیست؟

وبالاخره آنروز فرا رسید واین سئوال شد. اما درمقابل این سئوال هیچ جوابی نبود! تا اینکه نیروهای بارور فکری دست روی سینما گذاشتند و ازهدفهای مادی چشم پوشی کردند و برای یک سینمای «سالم» و نه «بیمار» ازجان خود مایه گذاشتند.

این عده از سینماگران را می‌توان درمیان فیلمسازانی که فعلا سالی یکی دو فیلم بیشتر نمی‌سازند جستجو کرد. خوشبختانه روال کار آنها که سینما را به «گیشه» فروخته‌اند جداست، که براحتی می‌توان نامشان را از میان نام دیگران جدا کرد.

در چنین موقعیتی که مطبوعات، رادیو و تلویزیون تلاشهای همه‌جانبه‌ای برای تفهیم این هنر که درحقیقت مجموعه‌ای ازهمه هنرهاست آغاز کرده‌اند. بجاست که بفیلمسازانی که مورد شماتت مطبوعات وتماشاگران قرار میگیرند. این توضیح دوستانه داده‌شود که تلاش بیمورد در ساختن فیلمهای «آسان‌پسند» عاقبت آنها رارسواخواهدکرد.

بهمین‌مناسبت اتحادیه تهیه‌کنندگان فیلم‌ایرانی وسندیکای هنرمندان ازچندی پیش تسویه‌دامنه‌داری رادرسطح وسیع وگسترده‌ای، درسینما شروع کرده‌اند که نتیجه آن باطل شدن‌کارت عده‌ای تهیه‌کننده، کارگردان وهنرپیشه میباشد.

آیا درچنین شرایطی وقت آن نیست که تمامی سینماگران دست‌بدست هم بدهند و گرمای خورشید سینما را بیشتر کنند؟

آیا وقت آن نیست که با احتیاط بیشتری فیلم بسازند وآیا وقت آن نیست که سعی شود رابطه عمیقی بین تماشاگر وسینماگر برقرار شود؟

اگر نتیجه این سئوال مثبت باشد، واگر نتیجه مثبت از این تلاشها گرفته‌شود، در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد موفقیت‌های درخشانی در زمینه هنر سینما و ارزشهای هنری خواهیم بود.

شورای نویسندگان

رویدادها

تا تعقیب جهنم

● هفته گذشته سازمان سینمائی سپنتا فیلم آماده‌ی نمایش خودرا که قبلا «موهان» نامداشت باعنوان تازه « تعقیب‌تاجهنم » به‌اداره کل امور سینمائی کشور ارسال‌داشت تا پروانه نمایش آنرا دریافت نماید.

دراین فیلم که بکارگردانی روبرت اکهارت‌توسط‌جمشیدالوندی فیلمبرداری شده ذکریا هاشمی، ایرن، مرتضی‌عقیلی، کودک خردسال‌هومن‌وجلال‌شرکت‌دارند. طبق قرارداد‌ی‌که فیما بین منوچهرطایفه تهیه‌کننده این‌فیلم وگروه اونیورسال منعقدشده‌است تعقیب‌تاجهنم بزودی درگروه مزبور به‌روی‌اکران خواهدآمد.

بی‌حجاب

● سازمان سینمائی تخت جمشید که اینك از مراکز فعال فیلمسازی درایران‌است هم‌اکنون فیلمی آماده نمایش دارد بنام بی‌حجاب که بکارگردانی ایرج قادری توسط داریوش درآبادان وتهران فیلمبرداری شده است.

دراین‌فیلم که‌تهیه‌کننده آن‌جمشید شیبانی‌است ایرج‌قادری، کارمن اسکوئی، شهنازتهرانی، منوچهر پوراحمد، محمودتهرانی، مهری‌ودادیان و جمشید مشایخی شرکت دارند.

مصطفی‌لره

● تاکنون یکساعت‌ونیم‌از فیلم تازه رضا فاضلی موسوم به«مصطفی‌لره» توسط‌سعیددلیری فیلمبرداری شده‌است. دراین فیلم‌که سناریوی آنرا فریدون‌گله نوشتهٔ واموروفنی‌آن درمهتاب‌فیلم انجام‌میشود فاضلی، شیراندامی، پریچهرپاکان، پروین‌ملکوتی وعده‌ای دیگرشرکت‌دارند.

شرور

● سازمان سینمائی نگاه که امسال اولین‌محصول‌آنرا بنام خورشید درمرداب دیدیم اینك‌دو فیلم تازه دردست تهیه دارد بنام شرور و پاداش.

درشرورکه بکارگردانی ناصرمحمدی توسط‌علی‌صادقی فیلمبرداری‌شده واینك مراحل صدابرداری وتکنیکی‌آن در هاملت‌فیلم‌طی میشودفیروز، پیمان، ارغوان، علی‌آزاد، شیده، شهرآشوب شهنازواحمدمعینی‌شرکت دارند. این دوفیلم تازه را «کاظمیان» تهیه‌مینماید.

بیگانه

● با مراجعت پوری‌بنائی ازانگلستان‌که برای معالجه پا بدانصوب رفته بود صحنه‌های باقیمانده‌ی فیلم«بیگانه»محصول دردست تهیه سازمان سینمائی تخت‌جمشید تهیه میشود. دراین فیلم‌که سناریوی‌آنرا سعیدمطلبی نوشته وبکارگردانی رضاصفائی توسط‌شکرالله رفیعی‌فیلمبرداری میشود ایرج‌قادری، پوری‌بنائی، بهمن‌مفید، مرسده‌کامیاب، آراسته، جهانگیرفروهرو میری شرکت دارند.

کریم درویش

● منوچهر صادقپورکه اینك فیلم بنده خدا را در دست تهیه دارد بزودی فیلم تازه‌ای را شروع خواهد کرد بنام «کریم درویش» که خودآنرا کارگردانی مینماید. دراین فیلم‌که سناریوی آنرا منوچهر کیمرام نوشته و محصولی است ازپارسافیلم فریده نصیری، منوچهر صادقپور و میری نقشهای‌اصلی را بعهده دارند.

برنامه‌های نوروز

● باآنکه هنوزچهارماه‌به عیدنوروزمانده ولی‌بعضی از تهیه‌کنندگان فیلمهای تازه خود راکاندید نمایش درعید نوروز نموده‌اندازجمله«ممل آمریکائی» با شرکت بهروزوثوقی وگوگوش «مرادبرقی وهفت دخترون» با شرکت‌پرویز کاردان ونگاره«بنده خدا» با شرکت آغاسی و هاله «صمدآرتیست میشود» با شرکت پرویزصیاد و فیلمی‌که اینك با شرکت ملك مطیعی در پارس‌فیلم تهیه میشود وچندفیلم دیگر. حال کدام‌یك ازاین فیلمها واقعاً عید نوروز۵۳ نمایش‌داده‌میشود؟ هنوز بدرستی معلوم نیست

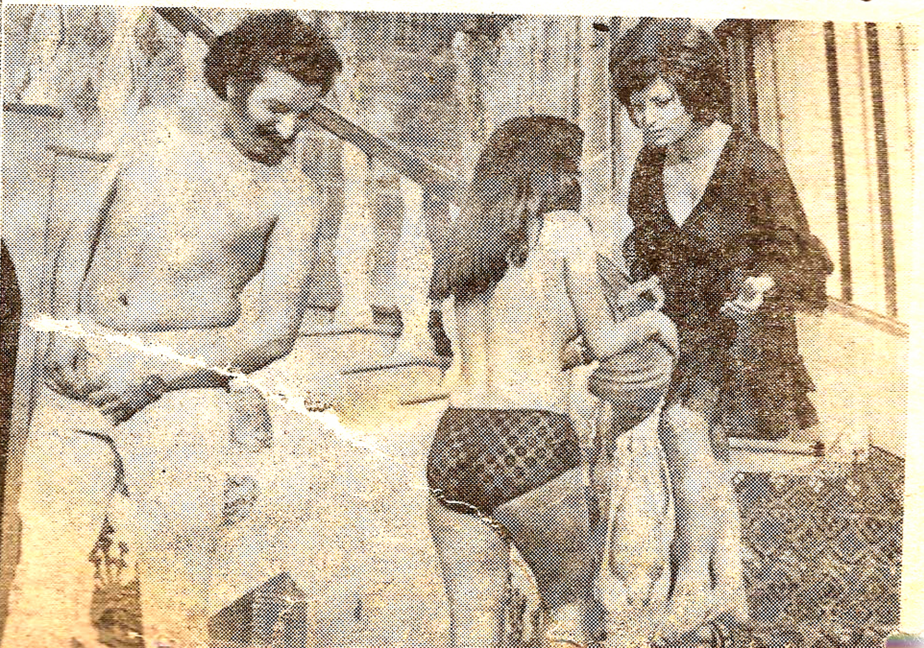
خروس‌عیدغدیرخم

● فیلم «خروس» محصول رنگی‌شرکت سهامی سینما تئاتر رکس برنامه‌عیدغدیرخم گروه آسیا میباشد. این فیلم را شاپور قریب براساس سناریوئی نوشته‌ی‌خودش کارگردانی کرده‌وتوسط نصرت‌اله کنی در شوشتر فیلمبرداری شده است. در خروس سعیدراد، داود رشیدی، ایران، سپیده و منوچهر احمدی‌نقشهای اصلی را بعهده دارند.

پلنك درشب

● بامراجعت‌سعیدمطلبی که اینك‌درکرمانشاه‌سرگرم کارگردانی فیلم «همراهان» است تهیه‌فیلم «پلنك‌درشب» محصول سازمان سینمائی تخت جمشیدآغاز خواهد شد. دراین فیلم‌که مطلبی آنرا براساس سناریوئی نوشته‌ی‌خودش خواهدساخت برای‌اولین‌بارایرج قادری‌ومنوچهروثوق بایکدیگر همبازی هستند وازجمله دیگر هنرپیشگان آن میتوان امین‌امینی رانامبرد.

● بهمن‌مفید ومرسده‌کامیاب درصحنه‌ای‌از فیلم «بیگانه»



● فیروز-شهرآشوب ورضیانی‌درصحنه‌ای از «شرور»



تأخیر بخاطر موی ناصر!!

● فیلمبرداری محصول جدید پارس فیلم که قرار است ناصر ملك‌مطیعی در آن باردیگر درهیئت یك جاهل بامعرفت ظاهرشود بخاطر موی‌سر ملك‌مطیعی چندروزی به تاخیر افتاد زیرا ملك‌مطیعی اخیراً جهت بازی درفیلم‌ترکمن موی‌سرش راکوتاه کرده‌است و بایدچندروزی صبر کند تاموهایش بلندشود وبعد بازی دراین فیلم‌را که هنوز نام آن بدرستی انتخاب نشده آغاز نماید. دراین‌فیلم که برنامه نوروز گروه اونیورسال است و توسط محمود کوشان کارگردانی میشودعلاوه بر ملك‌مطیعی، مرتضی‌عقیلی، نادره، کاترین‌وعده‌ای‌دیگرهم‌شرکت‌دارند

زخمی‌هاشروع میشود

● مسعود کیمیائی که مدتی برای‌تهیه سناریوی فیلم‌تازه‌اش بنام «زخمی‌ها» درشمال‌بسرمیبرد بعداز آماده‌شدن آن بتهران‌مراجعت کرد ومصمم است هرچه زودتر کارگردانی فیلمی را از روی آن که محصولی خواهدبود ازاستودیو میثاقیه آغازنماید. دراین‌فیلم که توسط نعمت‌حقیقی فیلمبرداری‌میشود قرار است بهروزوثوقی وفرامرز قریبیان نقشهای اصلی را بازی نمایند.

نوش‌آفرین بجای آرام

● درفیلم «سازش» محصول دردست تهیه‌سازمان سینمائی‌پیام که‌بهروزوثوقی، نوری‌کسرائی، مهین‌شهابی، مهران‌صدری‌و آرمان شرکت دارند قراربودآرام ستاره فیلم‌گرك‌نیزایفاگریکی ازنقشهای عمده‌آن باشدولی‌متوسلانی کارگردان این‌فیلم نقش‌او را به نوش‌آفرین ستاره‌ی‌فیلمهای دشمن وقصه‌ماهان واگذارکرد. این‌فیلم را نعمت حقیقی‌فیلمبرداری میکند.

سیامك یاسمی‌در تخت جمشید

● هفته‌گذشته قراردادی میان سیامك‌یاسمی‌وجمشیدشیبانی مدیرعامل سازمان سینمائی تخت جمشید منعقد شد تا کارگردانی یکی‌ازمحصولات جدیداین‌سازمان را یاسمی‌انجام‌دهد.

دراین‌فیلم که هنوز نام‌آن بدرستی انتخاب نشده‌وقرار است توسط‌حمیدمجتمدی فیلمبرداری شوداحتمالا فردین‌نقش‌اصلی را بازی‌خواهدکرد.

غریبه‌ومه تمام‌شد

● فیلمبرداری کارتازه بهرام‌بیضائی سازنده‌ی فیلم‌رگبار موسوم به «غریبه‌ومه» هفته‌گذشته بعداز ماهها بپایان‌رسید. دراین فیلم رنگی که محصولی است از شرکت‌سهامی سینماتئاتر رکس خسروشجاع‌زاده، پروانه‌معصومی، منوچهرفرید، ولی‌شیراندامی، عصمت‌صفوی، تحصنی وعده‌ای دیگرازهنرپیشگان تئاترشرکت دارند. هم‌اکنون مراحل فنی غریبه‌ومه‌دراستودیو فیلمسازانجام میشود.

مغربی

● اوایل دیماه فیلم‌آماده‌ی نمایش محمدرضا فاضلی موسوم‌به «مغربی» به‌روی اکران خواهد آمد. دراین‌فیلم‌که سناریوی‌آنرا رضا عقیلی نوشته وبکارگردانی فاضلی توسط موسی افشاردرتهران ومشهد فیلمبرداری شده است منوچهروثوق، فاضلی، شهنازتهرانی پریچهر پاکان، ایران قادری و احمدمعینی شرکت دارند. فاضلی بلافاصله بعدازنمایش مغربی، مصطفی‌لره‌را نمایش‌خواهدداد.

مراجعت ازخرمشهر

● اکیپی که ازطرف‌استودیو نقش‌جهان برای تهیه صحنه‌هائی ازفیلم «باهمه‌چیزوبی همه‌چیز» به خرمشهر رفته بودند این‌هفته بعد ازاتمام کار بتهران‌مراجعت نمودند دراین فیلم که سناریوی آنرا میر خدیوی‌نوشته و بکارگردانی‌وحدت توسط‌عزیزرفیعی فیلمبرداری‌شده است وحدت، ایرج‌قادری، ژاله کریمی، حسن‌رضائی، آراسته، علی‌زاهدی، سروررجائی، نریمان فرهادحمیدی ومیری‌شرکت‌دارند باآماده‌شدن باهمه چیزوبی همه چیزوحدت خودراآماده تهیه‌فیلم تازه‌اش «مسخره‌ها» که درآن‌برای اولین باربابیك ایمانوردی همبازی است مینماید.

مراجعت ازاهواز

● اکیپی که ازطرف پارسا فیلم جهت تهیه فیلم «بنده خدا» به‌اهوازرفته بودند این‌هفته بعد ازاتمام‌کاربتهران مراجعت کردند دراین‌فیلم‌که‌تهیه کننده آن‌منوچهر صادقپوراست وبکارگردانی رضا صفائی توسط تورج پورمروت فیلمبرداری شده‌آغاسی، هاله، حسین‌گیل، علی‌بابا، آرزو، مهری ودادیان وعده‌ای دیگر شرکت‌دارند

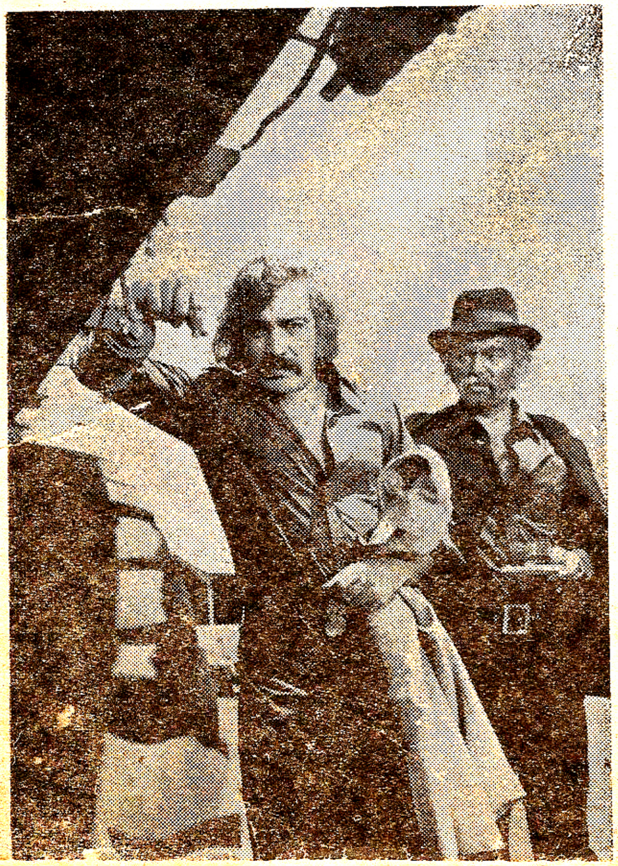
مراجعت ازشمال

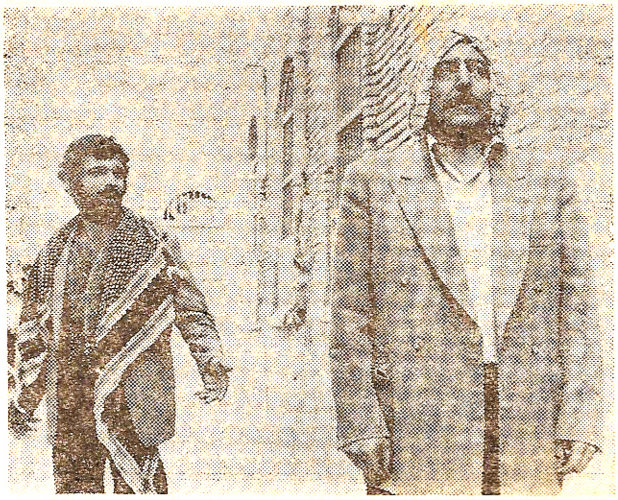
● اکیپی که ازطرف اسکار فیلم‌جهت‌تهیه‌فیلم «جهنمی» به‌شمال رفته‌اند بعداز اتمام‌کارهفته‌آینده بتهران بازخواهندگشت. دراین‌فیلم‌که سناریوی‌آنرا احمدنجیب زاده نوشته‌واحتمالا‌نام‌تغییرخواهدکرد سعیدداد، ملوسك، جلال، توران

● ذکریا هاشمی وایرن درصحنه‌ای ازفیلم «تعقیب تاجهنم»

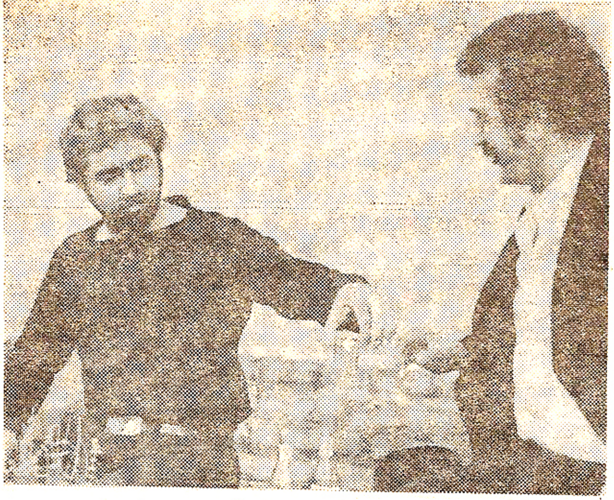


● فاضلی ومنوچهروثوق درصحنه‌ای از «مغربی»





● جمشید مشایخی و منوچهر پوراحمد در فیلم (بی‌حجاب)



● شیر اندامی و فاضلی در صحنه‌ای از فیلم «مصطفی لره»

مهرزاد و ذکریا هاشمی شرکت دارند جهنمی را کامران قدکچیان کارگردانی و جمشید الوندی فیلمبرداری مینماید.

نفرین بعد از هشتمین روز هفته

● سینما کاپری بعد از نمایش فیلم «هشتمین روز هفته» فیلم «نفرین» کار تازه ناصر تقوائی را نمایش خواهدداد. در این فیلم که محصولی است از شرکت سهامی سینما تئاتر رکس و توسط نعمت حقیقی فیلمبرداری شده بهروز وثوقی، جمشید مشایخی، فخری خوروش، کهنموئی و عده‌ای دیگر شرکت دارند. برای نفرین اسفندیار منفردزاده موزیك متن ساخته است.

فاجعه ادامه دارد

● با آنکه از طرف اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران به فیلم «فاجعه» پروانه فیلمسازی داده نشده ولی کماکان فیلمبرداری آن ادامه دارد درفاجعه که بکارگردانی ایرج گلدوست توسط داریوش فیلمبرداری میشود ایرج قادری، پوری بنائی کارمن اسکوئی، احمد معینی و بهمن مفید نقشهای اصلی را بعهده دارند

آقای جاهل

● سازمان سینمائی پانوراما بزودی تهیه فیلم تازه‌ای را آغاز خواهد کرد بنام «آقای جاهل» که قرار است با شرکت فردین، جمیله، حسین گیل و مرتضی عقیلی تهیه شود. این فیلم را ناصر محمدی کارگردانی وخانی فیلمبرداری می‌نماید.

رام کردن مردان سرکش

● نظام فاطمی که اینك فیلم «بالای شهر، پائین شهر» را باشرکت عارف و مرجان در پارس فیلم آماده نمایش دارد و تا چند روز دیگر کارگردانی فیلمی را بنام «دنیای خنده‌دار، خنده دار، خنده‌دار» برای سپهر فیلم آغاز مینماید قراردادی هم با تینافیلم بسته است تا بموجب آن از روی سناریوئی بنام «رام کردن مردان سرکش» کارگردانی فیلمی را باشرکت مختار، مرتضی عقیلی، هاله، شهروز رامتین ومیری آغاز کند

فیلم ژاپن و ایران

● تاکنون مقداری از صحنه های فیلم مشترك ایران و ژاپن با شرکت هنرپیشگان ایرانی و ژاپنی در تهران تهیه‌شده است. از بازیگران ایرانی این فیلم میتوان مرتضی عقیلی، پوری بنائی وجلال را نامبرد.

ضمناً هنرپیشه‌ی فیلم «پنجه های مرگبار» اولین فیلم کاراته‌ای که در ایران نمایش داده‌شد نیز در این فیلم شرکت دارد ژاپنیها به‌مرتضی عقیلی برای بازی دراین فیلم مبلغ پنجاه‌هزار تومان دستمزد داده‌اند.

فروش فیلمها

● فیلم «کج کلاخان» ساخته‌ی صابر رهبر سه‌هفته‌در گروه نیاگارا نمایش داده شد وجمعاً حدود یك میلیون و دویست هزار تومان فروش کرد.

فیلم «مترس» ساخته‌ی عزیزالله بهادری دوهفته‌در گروه او نیورسال نمایش داده شد و جمعاً حدود ۶۲۰ هزارتومان فروش کرد.

جمع فروش فیلم «هشتمین روز هفته» طی بیست و یك شب نمایش تنها در سینما کاپری حدود ۲۸۵ هزارتومان شده‌است و نمایش آن کماکان ادامه‌دارد

فیلم «مروارید» طی یك هفته نمایش در گروه آسیا حدود ۴۱۵ هزارتومان فروش کرده است و نمایش آن ادامه دارد.

یادداشت هفته



حرفهائی درباره :

فرار سالکی ـ مجله فیلم و هنر و کم‌شدن کار فیلمسازان ایرانی

نوشته‌ی : رضاشمشادیان

چه خوب که سالکی رفت، اما...

● وقتی مهدی مصیبی و کردوانی دو تهیه کننده خوب سینمای ایران بخاطرضررهای زیاد مجبور شدند از ایـران خارج شوند تقریباتمام دست‌اندرکاران وهنرمندان سینما نـاراحت شده بودند ولی‌وقتی هفته گذشته ناگهان درمحافل سینمائی شایع شدکـه «کاظم‌سالکی» مدیرعامل دیاموند فیلم‌بخاطر چك‌وسفته‌های‌زیادی که‌در دست‌مردم داشته فرارکرده‌وازایران بیرون‌رفته‌است‌هیچکس نبودکه ناراحت‌شودوبرعکس‌عده زیادی خوشحال هم‌شده‌بودندچون باتصمیمات‌اخیراتحادیه صنایع‌فیلم ملی ایران وسندیکای‌هنرمندان درمورد بهبودوضع سینمای ایران‌کم‌کم آنهائیکه بی خودی میان سینماگران‌واقعی برخورده‌بودند ازمیدان به در میروند و بزودی سینمای ایران چهره‌واقعی خودرا نشان خواهدداد.

سالکی یکی‌ازآن آدمهای خطرناکی بودکه‌طی‌یکی دوسال گذشته چندنفرازکارگردانان وآدمهای دست اندرکارفیلم‌وسینمای ایران‌را بخاك سیاه‌نشانده‌است وخودش‌هم که ظاهراداشت‌بسرنوشت آنها دچارمیشد فراررا برقرارترجیح دادواز ایران خارج‌شد.

فرم کار سالکی بدین ترتیب بودکه، هرکس مقداری‌پول‌نقد وچك وسفته دردست داشت او ظاهرا بهش اعتبار میداد وباچك و سفته‌هائی‌که خود دراختیار آنها میگذاشت و دوبرابرآن مدرك‌از آنهامیگرفت فیلمهایشان‌را تهیه میکرد به‌امید آنکه روزی ایـن فیلمها به‌بازارآید واوصاحب اصلی‌فیلمها شود.

ازجمله این‌فیلمهاکه بااین‌فرم تهیه‌شده‌است میتوان‌خیالاتی غریب وطاهررا نامبردکه‌هیچکدام خوب کارنکرد واکنون‌منوچهر نوذری ، سرکوب وبزرگی سازندگان این فیلمها در وضع‌بدمالـی قراردارند وسالکی‌مقدار پولی‌راکه‌بابت پورسانتاژ فیلمهای‌مزبور گرفته، برداشته وفرارکرده وبه‌آنها گفته است من تاپول‌خودم‌را بر ندارم‌پولی بشمانخواهم‌داد «البته‌پولی‌که هیچوقت‌خودش‌نداده‌است»

یکی‌از نزدیکان سالکی‌میگفت او ، سیدهادی‌رضی،معروف‌به «سیدجلبی» راکه‌در دستگاه‌اوکارمیکند وظاهراً شریکش‌بوده است مقصرواقعی میداند وعقیده‌دارد سیدجلبی اورااوادار به‌اینکارها کرده وعده‌ای رابدبخت کرده‌است .

بهرحال‌رفتن آدمهائی نظیر سالکی صددرصد بنفع‌سینمای ایران‌است ولی‌آیا اتحادیه‌صنایع‌ایران فیلم‌ملی ایـران و سندیکای هنرمندان فکری‌هم بحال‌طلبکاران بیشمار او کرده است ، که‌کار و پولشان‌را درراه‌کارهای مختلف‌فیلمهای مربوط به‌او گذاشته‌اند؟

چندخطی درموردفیلم‌وهنر

● هفته گذشته وقتی «فیلم‌وهنر» بعدازیکماه توقف مجدداً منتشرشد بااستقبال زیادمردم ومحافل‌هنری وسینمائی کشور،روبرو گردید .

فیلم‌وهنر طی دهسال انتشار مرتب بارها ثابت‌کرده است‌که تنها نشریه‌ی پیشرو موردعلاقه‌ی مردم است و این‌از تیراژ قابل توجه‌ای‌که میان‌نشریات مشابه‌دارد نموداراست . با آنکه اکنون مدتهاست بخاطر امورمالی فیلم‌وهنر از زرق‌وبرقهای ظاهری بدور است وباآنکه صفحاتش درآن‌حد نیست‌که بتوان‌مطالب بیشتری‌را درآن جای‌داد ولی‌با همین‌صفحات اندك‌ونداشتن‌عکسهاو تابلوهای رنگی‌هنوزجای خودرا میان‌دوستدارانش حفظ‌کرده است .

جای‌صفحاتی مثل‌رویدادها ، یادداشتها ، بحث‌های‌جنجالی‌و پاورقی‌که سخت‌مورد علاقه‌خوانندگان فیلم‌وهنر است‌درماههای‌قبل ازتوقف‌موقتی آن‌خالی بودکه با انتشار مجدد هما نطورکه ملاحظه کرده‌اید این‌صفحات رابخاطر نامه‌ها و تلفنهای مکرر علاقمندان واقعی‌فیلم‌وهنر دائرکرده‌ایم .

شماره‌قبل‌وشماره موجودوشاید‌یکی‌دوشماره‌دیگر بطورآزمایشی منتشرشده وخواهد شدچون‌مسئولین‌فیلم‌وهنرمنتظردریافت‌نامه‌ها و نظریات تازه‌خوانندگان خودهستند تابابررسی آن‌درآینده آنچه‌را که‌لازم‌باشد دربهبودبیشتر مجله‌انجام‌دهند .

چراکارهاکم شده؟

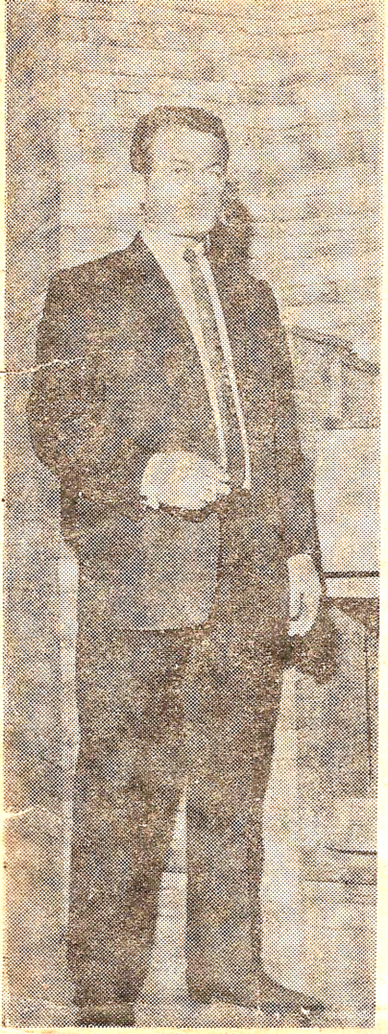
● باوجودیکه مدتی است فیلمهای ایرانی نسبتاً خوب کار میکندوبجزیکی دوفیلم، مابقی‌فیلمهائی‌که تازه نمایش داده شده‌با استقبال نسبی تماشاگران مواجهه شده است ولی اکنون فعالیتهاکم است و استودیوهـای سازنـده فیلم و تهیه‌کنندگان از کار خـود کاسته‌اند.

در استودیو میثاقیه کـه همیشه ازمراکـز فعال فیلمسازی کشوربوده است‌مدتهاست‌فیلم تازه‌ای شروع‌نشده‌همچنین دربرنامه‌ی استودیـو پـارس فیلم بجز تهیه یك فیلم تازه، فیلم‌دیگری قرار داده نشده است .

استودیوعصرطلائی‌که مدتهاست‌کارش راکدمانده و شرکت سهامی سینماتئاتروکس بجزفیلمهای‌دردست‌تهیه‌اش باآنکه‌همواره بطورمرتب اقدام بتهیه فیلم می‌نمود گویا فعلاخیال‌تهیه‌فیلم‌تازه‌ای را ندارد .

عده زیادی ازتهیه‌کنندگان علت اصلی‌کم شدن‌کارها رادر تصمیم اتحادیه درموردجیره بندی میدانند البته این تصمیم‌اتحادیه هنوزرسماً‌به تهیه‌کنندگان واستودیوها ابلاغ نشده وفقط‌یکباررئیس اتحادیه اشاره‌کوتاهی دریکی ازنطقهای خود دراین مورد نمود و اعلام داشت درآینده ممکن است اینکارراعملی نمائیم. حالا گویا تهیه‌کنندگان خود به‌پیشواز این‌موضوع رفته‌اند وازکارخودتاحد زیادی‌کاسته‌اند. شایدهم‌کم شدن‌کارعلت دیگری داشته باشدکه ما ازآن بی‌اطلاعیم ولی بهرحال ثمره بـدی‌که اینکاردربـردارد . بیکارشدن تعدادزیادی‌ازهنرپیشگان‌کم قیمت وکارگران وکارکنان فنی است‌که از اینراه چرخ زندگی خود را میگردانند و در این شرایط سخت زندگی‌که قیمتها وهزینه‌ی زندگی بطورسرسام‌آوری بالا رفته است باید بیکاربمانند.

خبرهای داغ وجنجالی از پشت پرده سینما



آیا بوتیمار معتاد شده است؟

هفته گذشته یکی از خبر نگاران فیلم‌وهنر، خبر آورد که عده‌ای میگویند «عبداله بوتیمار» معتادشده است. ما نسبت به‌صحت وسقم این خبر هیچگونه اظهار نظری نمی‌کنیم، وبهمین دلیل از آقای بوتیمار میخواهیم که در این‌باره مارا روشن کنند.

ولی آنچه که‌مسلم‌است اینست که اخیرا بدجوری بعضی از هنرمندان بدام اعتیاد گرفتار آمده‌اند.

امیدواریم درهفته های آتی بتوانیم رپورتاژ کاملی دراین‌باره درج کنیم.

فیروز یك گاو راکشت !!

فیروزهنرپیشه‌قوی‌هیکل وقهرمان فیلمهای‌فارسی، درهفته‌های‌پیش، بهنگام بازی‌درفیلم «شرور» دریك‌صحنه گاوبازی، باگاو گلاویزشد، وگاووحشی ناگهان رم‌کرد وبطرف فیروزحمله‌ور گردید.

فیروزکه‌جان خودرا در خطردیده بود، بجان گاو بیچاره افتاد و با چند ضربه قوی و کاری، گاو زبان بسته را از پای در آورد.

وحدت در آبادان گرفتارشد

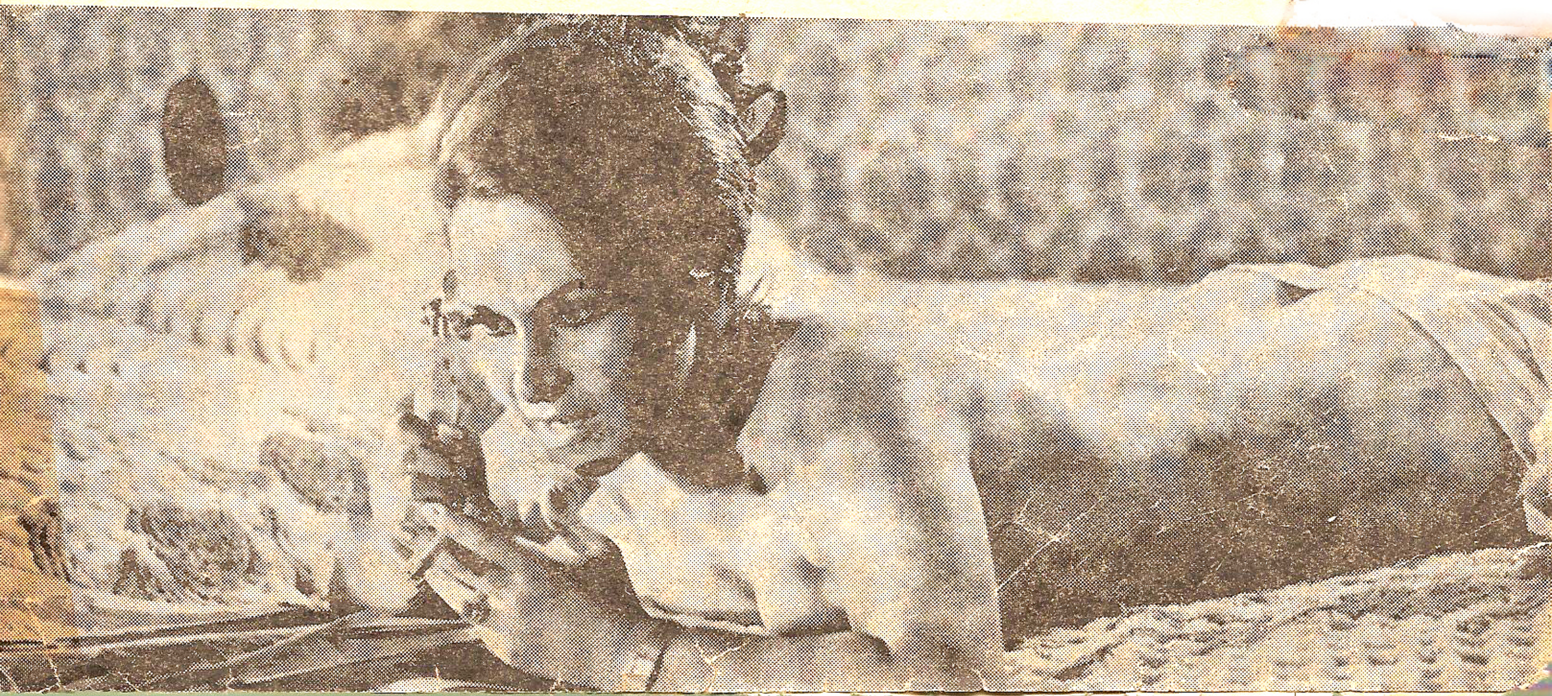
«نصرت‌اله وحدت» هنرپیشه معروف‌فیلمهای‌ایرانی، که در سال گذشته، فیلمهای «کی، دسته‌گل به‌آب داده» و «خوشگذران» ازاو بنمایش درآمد و هرکدام فروشی بالای یك میلیون داشت، هفته گذشته باتفاق ژاله کریمی و ایرج قادری، بآبادان سفرنمود تاقسمتهائی از فیلم‌جدیدش «باهمه چیز و بی‌همه‌چیز» را در آنجا فیلمبرداری کند. ولی‌مردم آبادان که ازورود وحدت بااطلاع‌شده بودند، آنقدر دور او جمع‌شدند واز اوامضاء گرفتند که وحدت مجبورشد یکروز کارفیلمبرداری‌را تعطیل کند وبا دوستداران‌خود سر وکله بزند.

هاله قدیمی وهاله جدید!

عکسی‌راکه ملاحظه می‌کنیدمربوط میشود به «هاله» ستاره سکسی سابق فیلمهای ایرانی‌که مدت یکسال است دیگرفعالیتی درسینما ندارد واینطورکه میگویند با مردثروتمندی ازدواج کرده وروی فعالیتهای هنری را خط کشیده.

ولی عده دیگری معتقدندازرمانیکه «هاله نظری» ستاره فیلمهای تبلیغاتی به سینما روی‌آورد، اوبعلت شباهت‌اسمی وبخاطر اینکه نقشهای درست وحسابی‌باو نمیدادندعطای سینما را به‌لقایش بخشید. درضمن اوائل‌که هاله نظری به سینما روآورده بود، این‌دو نفرمدتی بخاطرشباهت اسمی با یکدیگرجنگ وجدال داشتند.

اما اینطورکه ازعکس برمیآید، هاله قدیمی هم چیزی از هاله جدیدکم وکسر ندارد ودرسکسی بودن‌گوی سبقت را ازاوهم ربوده است.

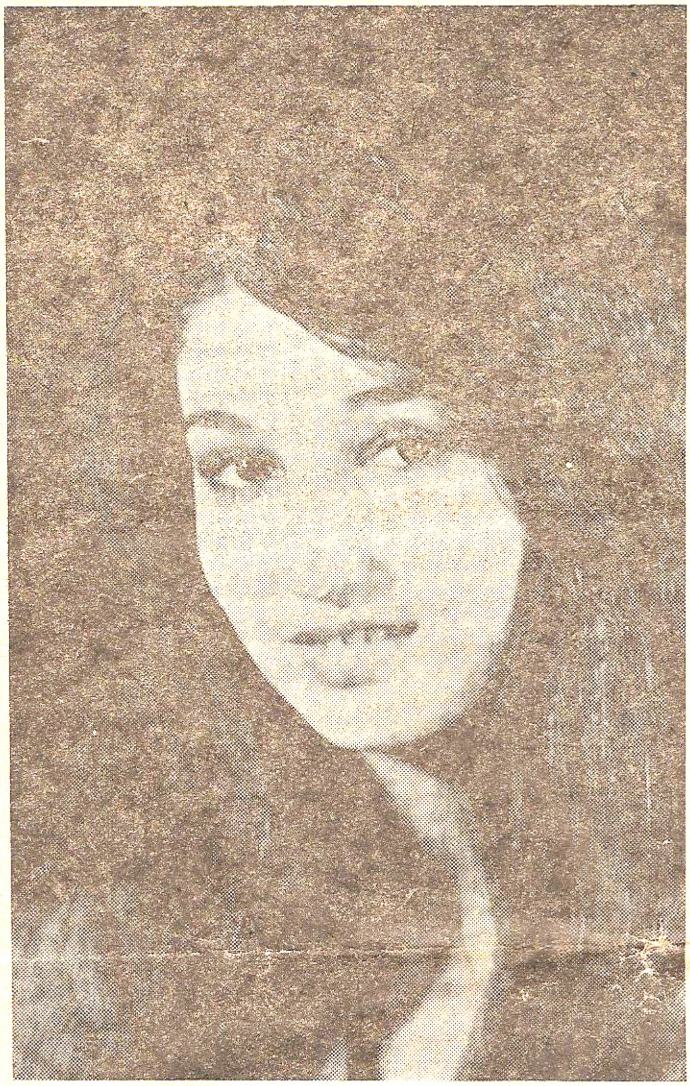


مرجان ازهمسرش جدا میشود؟

درهفته‌های اخیر، درمحافل هنری شایع شد که مرجان ستاره سکسی فیلمهای فارسی از همسرش جدامیشود. بهنگامی این شایعه قوت گرفت که مهدی علیمحمدی همسر هنرمند مرجان ازورود او بعالم سینما اظهار تاسف وپشیمانی کرده بود.

روزی که مرجان به سینما رو آورد، یکی از شرایط فعالیت او این بود که درفیلمهای سکسی بازی نمیکند. اما این اواخر تمام فیلمهای مرجان باچاشنی سکس او قاطی شده است.

گویا اختلاف مرجان وشوهرش هم برسر این مسئله است.

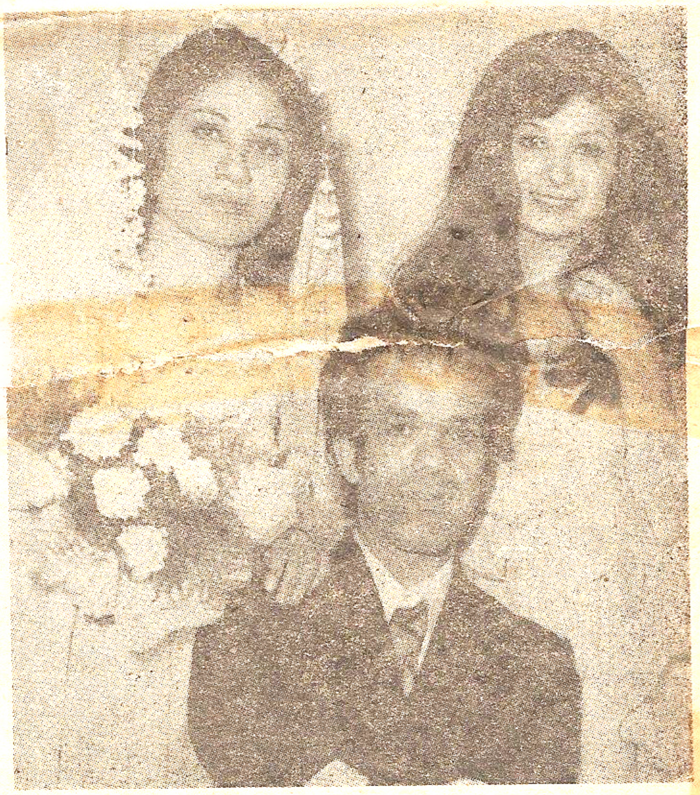


کاترین وعشق کارگردان

اینطور که شایع شده است، میگویند که «کاترین» هنرپیشه فیلم «اکبر دیلماج» بایکی از کارگردانان معروف سینمای فارسی طرح دوستی ریخته وهمیشه دوشادوش اودیده میشود.

هرچندکه عشقهای سینمائی تازگی ندارد، ولی میگویندهیچ بعید بنظر نمیرسد، که این دوستی بخاطر پیشرفت در سینما صورت گرفته باشد

آقای جدول، عروسی کرد



پنجشنبه شب هفته گذشته، جهانگیر پارساخو کوتاه قدترین مرد مطبوعات و هنرپیشه اخیر سینما که درفیلم تختخواب سه نفره با نصرت کریمی همکاری کرد، بالاخره پس ازمدتها پای سفره عقد نشست و با دوشیزه «سیما تبریزی» که ۲۲ ساله ودیپلمه ادبی است ازدواج نمود

درجشن عروسی پارساخو گروهی ازهنرمندان معروف شرکت داشتند وهمچنین عده‌ای ازنویسندگان مطبوعات درجشن اوخدمت میکردند. امیدواریم آغاز زندگی جدید پارساخو با نیک بختی توام باشد.

شهرآشوب

ستارگان سکسی زود فراموش میشوند

«شهرآشوب» ستاره نخست فیلم «جعفرجنی ومحبوبه‌اش» که اخیراً دوقرارداد تازه با استودیو تخت جمشید بامضاء رسانیده است، هفته گذشته، طی دیداری با خبرنگار فیلم وهنر، ازاینکه ستارگان سکسی باحربه سکس میخواهند سینما را فتح کنند اظهار تاسف کرد و گفت:

– نمیدانم چرا هرچهره جدیدی که میخواهد فعالیت سینمائی خود را شروع کند، بلافاصله جلوی دوربین لخت میشود واز این وسیله میخواهد راه پیشرفت خودرا در سینما بازکند وتوجه سینماگران را بسوی خود معطوف دارد. بنظرمن اینگونه ستارگان بعلت نداشتن استعداد هنرپیشگی خیلی زود بوته فراموشی سپرده میشوند.

سپیده تکذیب میکند!

هفته گذشته خبری درمجله اطلاعات بانوان چاپ شده بود مبنی براینکه «سپیده» هنرپیشه معروف فیلمهای ایرانی بامردی باسم «کاوه» ازدواج میکند.

ولی روز سه‌شنبه پس ازانتشار اطلاعات بانوان، سپیده باعصبانیت تمام به ما تلفن زد، وخبرمربوطه رابشدت تکذیب کرد وگفت تابحال من جوانی باسم «کاوه» رادرزندگیم ندیده‌ام و اورا نمیشناسم.

درمسابقه حلیم خوری، پسرجوانی پنج کیلوحلیم خورد

فردین: غذاهای ایرانی درتمام‌دنیا طرفدار دارد

ایرج قادری، نیلوفر، سعیدراد، فرخ‌ساجدی، پوری‌بنائی، رضافاضلی، فخری خوروش و بهمن‌مفید درباره‌حلیم، چه‌میگویند؟

چرا این رپورتاژ را چاپ کردیم

باسرد شدن ناگهانی هوای تهران وشهرستانها، ناگهان بازار حلیم‌فروشها داغ وکاروکاسبی‌شان خیلی زودتر ازفصل زمستان رونق پیدا کرد.

تا قبل ازاینکه دکه‌های حلیم‌فروشی پاتیل‌خودرا روبراه کننده اغلب‌جوانهای‌شب‌زنده‌دار، برای‌خوردن‌صبحانه به کله‌پاچه فروشی‌ها میرفتند ودر پاتوق‌های همیشگی یکدیگررا ملاقات میکردند. اماحالا پاتوق جوانها وهنرمندان معروف حلیم فروشی‌های معتبرشده است.

ازاینرو، ماکه‌همیشه بدنبال سوژه روزمیرویم این هفته خواستیم‌هم‌تجربه‌ای درزمینه رپورتاژهای عامیانه‌کرده باشیم وهم‌اینکه یکباردیگرسنت قدیمی حلیم خوردن‌را در مجله‌ای که تمام خوانندگانش ایرانی‌هستند علم‌کرده باشیم.

بهرحال چاپ شدن این گونه رپورتاژهای مردمی به سؤال و جوابهای متداول همیشگی با هنرمندان می‌ارزد.

این روزها تب «حلیم» خوردن بدجوری درتهران رواج پیدا کرده‌است، هرکجا بروید: درهرمحفلی که بنشینید، بالاخره حرفی از «حلیم» بمیان‌خواهد آمد!

البته هیچ‌جای تعجب‌ندارد که «حلیم‌خوردن» مثل مدماکسی، میدی‌ویونیفورم، تااین‌حدجای‌خودرامیان‌جوانها بازکرده است، زیرا پدران ومادران ما: یعنی نسل‌گذشته. با«حلیم» انس والفت خاصی داشته‌اند، واگر در سالهای شگفت‌انگیز عصر فضا، جوانها نسبت بخیلی ازمظاهر گذشته ازخود بیگانگی نشان میدهند، دلیلش همان غذاهای فرنگی «استیک فلفل» و«ژامبون» واز اینجور خوراکهاست. وگرنه نسل گذشته هیچوقت‌نمیتوانند خورشت قیمه، بادمجون عدس پلووآبگوشت رافراموش بکنند، وهیچ بعید نیست همانطور که ناگهان مدماکسی وشلوارهای‌گشاد، بمبارزه میدی و مینی‌شورت آمد: حالاهم چلو، آبگوشت وحلیم غذاهای‌خاص ایرانی جای غذای فرنگیها را بگیرد و جوانهارا بطرف خود بکشد.

امسال حلیم خوران برای جوانها یکنوع رقابت جالب وخوشمزه‌شده‌است، وکمترجوانی‌است که درماه گذشته، یعنی آغازسرما، لب‌به‌حلیم نزده باشد.

حلیم در رستورانهای مجلل

فکر نکنید که فقط باید حلیم رادرخانه پخت، ویا از کبابی‌های جنوب شهرخریداری کرد. خیر، اینطور نیست، اگراین‌روزها گذرتان بشمال شهر، یعنی طرفهای شمیران بیفتد می‌بینید که رستورانهای بزرگ وحتی‌دانسینگها هم [illegible]جالب بروی‌شیشه‌های رنگارنگ‌خود نصب کرده‌اند

«حلیم‌بوقلمون موجود است» وباین‌ترتیب نیمی از مشتریانی‌راکه‌شیفته حلیم هستند بطرف‌خود جلب‌میکنند.

صاحب یکی‌ازرستورانهای جاده پهلوی میگفت:

— ازروزیکه دررستوران‌من حلیم بفروش میرسد، تعداد مشتریانم‌دوبرابرشده، وحتی‌گاهی اوقات اتفاق‌می‌افتد که وقتی‌حلیم تمام‌میشود مشتریان‌باما بگومگومیکنند وبا ناراحتی‌رستوران‌ماراترک‌میکنند!

دربعضی ازفروشگاههای‌بزرگ نیزکه درگوشه‌وکنار شمال شهرقراردارند حلیم‌های خوشمزه‌ای بفروش‌میرسد، که اگردرآگهی روزنامه‌ها دقت‌کرده باشید، خواهیددید که نوشته‌شده‌است: «حلیم‌بوقلمون حتی‌درنصف شب‌هم بفروش میرسد!» حالا توخود ازاین‌آگهی حدیث مفصل‌بخوان!

نیمی‌ازحلیم‌خورها را، جوانهای شب‌زنده‌دارتشکیل میدهند. یعنی آنهائیکه تمام‌شب‌را بیدارهستند و درتهران بزرگ پرسه میزنند، اماهمینکه سپیده شیری رنگ صبح دمید، میتوانیدآنها را درمحل‌هائی‌که حلیم میفروشند پیدا کنید.

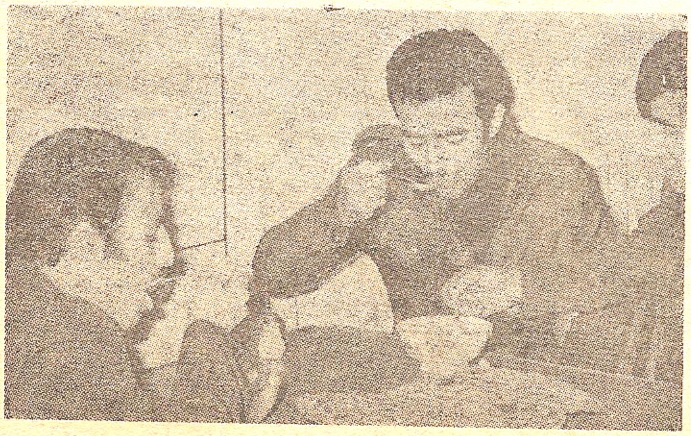
کم‌کم رستورانهای بزرگ تهران برقابت‌باکبابی‌های جنوب شهربرخاسته‌اند، اما یک مسئله مشترک دراینجا مطرح‌است که‌درحال حاضرتمام مردم‌تهران حلیم‌خورشده‌اند: یعنی هم شمال‌شهری، هم‌جنوب شهری!

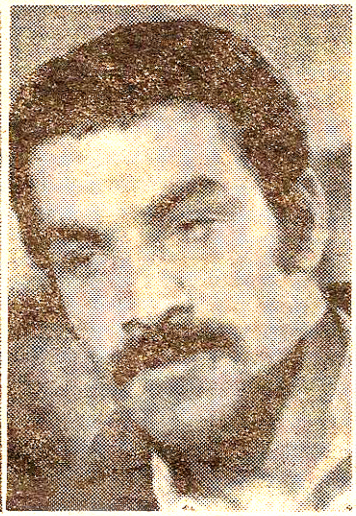
سندیکای حلیم فروشها!؟

خیال نکنید که حل[illegible]کردن وفروختن بهمین [illegible]دگی‌ها هست که‌ما فکرمی‌کنیم. بهتراست عقل‌ما [illegible] درباره این‌صنف تحقیق کنید تا ببینید حلیم‌فروختن چه دردهائی دارد.

حلیم‌فروش‌هاسندیکائی‌دارند که رئیس سندیکای‌آنها «سید محمد علاءهاشمی» نام دارد.

وقتی ازآقای علاء هاشمی سئوال می‌کنم که درحال حاضردرتهران چندحلیم فروشی وجود دارد میگوید:





ـ والله خیلی عجیب‌وغریب‌است ، چون تا سال گذشته درتهران چهارصد حلیم‌فروشی وجـودداشت ، و هرسال کـه میگذشت ازتعداد فروشندگان حلیم‌کاسته میشد ، امانمیدانم امسال چه خبرشده است که دویست حلیم‌فروش دیگر به‌تعداد قبلی اضافه شده‌اند ، یعنی درحال حاضرما ششصدحلیم‌فروشی داریم .

حلیم درزمان صفویه

ازهمان زمان‌کـه بشربه‌گندم دست‌یافت، راه پختن حلیم‌راهم یادگرفت. اماچندان‌توجهی بخوردن حلیم نمیکرد، تااینکه زمان صفویه ناگهان حلیم خوردن‌مثل امروز مدشد، و از‌آن‌ببعد تاامروز دکه های حلیم‌فروشی درکوچه وبازار ایجادشد .

معروفترین حلیم فروش های تهران

تهران، درمحل‌خانی‌آباد، یکی‌ازقدیمترین‌ومعروفترین حلیم فروشی‌های قدیمی تهران واقع‌شده‌است .

این‌حلیم فروشی‌که نبش‌بازارچه «حاج‌استاعلی» واقع شده‌است ، صبحها ازساعت ۴ بامداد ، شروع بفروختن حلیم میکند وتاساعت‌هشت‌که پاتیل‌حلیم اوخالی‌میشود، مشتریان صف‌میکشند .

صاحب این‌حلیم فروشی میگوید :

ـ من‌هرروز صبح‌بیش از هزارتومان حلیم‌میفروشم، وتعداد مشتریانم‌ازششصد نفرمتجاوز است .

حلیم فروشها درآمد نسبتاً خوبی‌دارند ، زیرا هـر پاتیل حلیم‌بـرای‌آنهـا بین‌دویست تاپانصد وپنجاه تومان استفاده دارد .

ازحلیم فروشی‌هـای معروف دیگریکی حلیم‌فروشی گلپایگانی می‌باشدکه اغلب پاتوق هیپی‌ها و هنرمندان نیز بشمار میرود .

اصولا حلیم فروشی درتهران نیست‌کـه درتمام فصل سال مشتری داشته‌باشد . چون‌خلیم‌فقط فصل‌زمستان‌مشتری دارد، وشاید بهمین‌علت است‌کـه اغلب حلیم‌فروشیها روزها کباب‌میفروشندوصبحهاهم‌پاتیل‌حلیم راعلم‌میکنند !

درمحله‌های جنوب‌شهر یك‌کاسه حلیم‌بملبغ ده تا ۱۵ ریال بفروش میرسد امادرشمال‌شهر همین‌مقدار حلیم‌تامبلبغ پنجاه الی‌صد ریال بمشتری داده میشود .

هنرمندانی که حلیم می‌خورند!

هنرمندان سینما هم از طرفداران پروپاقرص حلیم هستند: این‌روزها. اکیپ‌های فیلمبرداری‌که ازشب تاصبح کارمیکنند، صبح‌زود. مدیر تهیه‌را بایك قابلمه بزرك بسراغ آقای حلیم‌فروش میفرستند، تاخستگی‌کارشب را باخوردن حلیم‌گرم ونرم رفع‌نمایند.

بهمین‌جهت ماباچندتن از هنرمندان سرشناس‌کـه خیلی‌حلیم دوست دارندچندکلمه‌ای دراین‌موردحرف‌زده‌ایم که‌جواب رامیخوانید.

● ایرج‌قادری: تنها غذائی‌که درفصل زمستان من خیلی‌دوست‌دارم حلیم‌است‌خصوصاً. اگر اینکه برف‌هم بیایدوهوا سردتر بشود.

● نیلوفر وفرخ‌ساجدی: امسال هنوز مـا حلیم نخورده‌ایم، اماشما بااین سؤال‌مارا بیاد حلیم انداختید و فکرکنم که‌فردا صبح نوش‌جان کنیم

● پوری بنائی: حلیم‌مال پیرمردهاوپیرزنهاست. اما نمیدانم‌که چرا اینهمه درمیان جوانهاهم سوکه دارد. من‌هم حلیم گندم‌رادوست‌دارم‌وهم‌حلیم کشك بادمجان را..

● فردین: [illegible] غذاهای ایرانی همیشه مشتریان [illegible] قرصی داره. شمادر هرکجای دنیا غذای ایرانی را ببرید مردم بامیل ورغبت آنرامیخورند. حلیم‌هم یکی از‌آن غذا هاست که‌خودمنهم مریدپروپا قرصش‌هستم!

● سپیده: متاسفانـه من‌کسی‌را ندارم‌کـه صبح‌زود برود وحلیم بخرد و فکرکنم‌که داغش بدلم بماند!!

● رضافاضلی: اگرناهار وشام هم حلیم می‌پختند باز هم‌من آن‌را میخوردم.

● سعیدداد: اتفاقا پریروزصبح‌حلیم‌خریدم‌وخوردیم. ـ نوش‌جان.

● مستانه جزایری: تصمیم دارم یك حلیم پـارتی حسابی روبراه کنم.

● فخری خوروش: من‌لب به‌حلیم نمیزنم. البته‌اگر خودم بپزم خیلی دوست‌دارم.

● بهمن مفید: چاکرشم هستم. از قدیم وندیم گفتن حلیم‌قوت قلبه!!

● «هوشنگ حسامی» منتقد و فیلمساز، در یک گفتگوی طولانی و جنجال برانگیز

● ((م. صفار)) و هوشنگ حسامی رودر روی یکدیگر

● یک آقائی در «ستاره سینما» باصطلاح از منتقدین «مچ گیری» کرده بود، من جواب او را در اینجا میدهم.



منتقدین ما، خیلی احساساتی

● خیلی‌ها عقیده دارند که منتقدین فیلم در قضاوت‌هاشان حساب دوستی‌ها و دشمنی‌ها را هم دارند و بعبارت دیگر نوشته‌هاشان خالی از حب و بغض نیست. در اینمورد چه میگوئید؟

حسامی: متأسفانه این عیب در کار منتقد ایرانی بیشتر از منتقد فرنگی دیده میشود. میخواهم بگویم منتقد فرنگی هم گاهی احساساتی میشود اما منتقد ایرانی آنقدر احساساتی میشود که کارش به تعصب [illegible] درمورد یک یا چند فیلمساز می کشد و این خطر [illegible] [illegible] است [illegible] میشود و [illegible] هم برای [illegible] هم برای فیلمساز که وسواس و حساسیت‌هایش را بتدریج از دست میدهد. دفاع بی‌دلیل از یک فیلم، صرفاً بخاطر دوستی و یا رسیدن بهدف‌های خاص دشمنی صریح با مردم و سازنده آن فیلم است. بسیاری از منتقدین ما هنوز واقعاً بخود نقبولانده‌اند که باید با صراحت و دقت هرچه تمامتر قضاوت کنند.

● شما خودتان فیلم ساخته‌اید و ناگزیر نقدهایی را که درمورد فیلمتان نوشته‌اند خوانده‌اید. این نقدها درست و سازنده بودند؟

_ متأسفانه هیچکدام. سینمایی نویس‌هایی که درمورد «قیامت عشق» نوشتند در واقع قصه فیلم را دوباره نویسی کرده بودند. بامزه‌ترین نوشته‌هائی که درمورد «قیامت عشق» خواندم در «آیندگان» و «ستاره سینما» بود. سینمانویس آیندگان در آغاز باصطلاح نقد خود نوشته بود «ریتم» Pae و تمپو فیلم حسامی یکدست، روان و بغایت موثر است» و درست دو سه خط بعد اظهار نظر کرده بود که «اما اجرا بد بود»! همین آدم کیفیت عکس را با «کادراژ» عوضی گرفته بود و در یک گفت و گو هم که حضرت عباس پهلوان و نصرت کریمی شاهدش بودند بمن گفت: تیلت‌هائی که در فیلم داشتی همه بد بوده» وقتی باو گفتم که در فیلم حتی یک تیلت هم وجود نداشته با حرکت دست حرکت افقی دوربین را نشان داد و من تازه فهمیدم که منظور ایشان از تیلت همانا «پن» بوده است [illegible]

باصطلاح منتقد «ستاره سینما» هم [illegible] [illegible] درخشانی که در فیلم هست باید بگویم حسامی فیلمساز [illegible] منتقدین شناخته شده هم درباره فیلم سکوت کردند و نفهمیدیم چرا؟ میدانید. اصولا دسته بندیهائی از این قبیل است که کار نقدنویسی را در ایران به ابتذال کشانیده است و این روزها هم که مثل علف هرز منتقد سبز میشود و اظهار نظرهاشان واقعاً باندازه فیلمهای لورل هاردی آدم را میخندانند. باصطلاح منتقد یک مجله اخیراً در باره فیلم «پدرخوانده» فیلمساز مارلون براندو را در صحنه‌ای از همان زاویه‌ای که خاص روسای جمهوری و شخصیت‌های مهم است نشان داده است. از این به بعد باید. حتما. مراقبت زوایای ویژه بقال‌ها و نجارها و گداها هم باشیم.

● پس قبول دارید که منتقدین فیلم از روی حساب و کتابهای خاصی مینویسند؟

قبول دارم که بعضی، متاسفانه این عیب را دارند. اما یادتان باشد که میگویم بعضی‌ها، مثلاتا بحال ندیده‌ام «بیژن خرسند» چنین کاری کرده باشد و همینطور چندتایی دیگر.

● منتقدسینمائی روزنامه آیندگان فرق بین تیلت و(پن) راهنوز نمی‌فهمد!

● چرا بعضی از تماشاگران با فرهنگ یواشکی بدیدن فیلم (صمد ...) میروند؟

● دسته بندی در سینمای ایران، کار فیلم سازی را به‌ابتذال کشانده است.

تشریف دارند!

● فکر نمی کنید که مثلا آقای دوایی چنین عیبی داشته باشد؟

گاهی اوقات علاقه بیش ازحددوائی به یك فیلم، که صادقانه هم‌هست، چنین‌مینماید که اوداردحق‌دوستی‌را ادا می کند امامن خیال نمیکنم که دوائی چنین باشد. راستش اوائل خیال‌میکردم که‌دوائی این‌عیب بزرگ رادارداما بعدفهمیدم رابطه او بافیلم یافیلمسازان موردتوجهش عاطفی و صادقانه‌است.

● چندی‌قبل در« ستاره‌سینما » یك‌آقائی ازمنتقدین «مچ گیری» کرده بود شما با حرفهای اوموافق بودید؟

ـ آن‌آقاکه ظاهراً درفرنگ‌تحصیل‌می‌کند درمورد«دوائی» و «بهرام‌ری‌پور» بی‌لطفی‌کرده بود. درمورد دوائی نوشته‌بودکه او نظرش رامرتبا درموردفیلمها عوض‌می‌کند. این‌مچ‌گیری نیست. حداکثراعتراض ایشان میتوانست به‌دوایی این‌باشدکه تغییرعقیده او میتواندگمراه‌کننده باشد. گرچه قبلاهم گفته‌ام که تغییرعقیده منتقد عیب‌کار او نمیتواند باشد.

درمورد «بهرام‌ری‌پور» هم‌دلیل محکمی دردست نداشت و لحنش درمورد«فریدون‌معزی‌مقدم» واقعاً بی‌ادبانه بود.

● یادتان هست که بروبچه‌های دانشگاه شیرازهم یکبار مچ منتقدین‌را بازکرده بودند؟

ـ بله ومتاسفم که درآن نشریه‌را تخته‌کردند. شوروعلاقه بروبچه‌های دانشگاه شیراز وحساسیت آنها درمورد سینما. اگرچه گاهی آنها راشتاب‌زده درقضاوت جلوه‌میداد ولی. مغتنم‌بود.

● من غالب‌اوقات متوجه‌میشوم که اظهارنظرجمعی‌از منتقدین درمورد یك‌فیلم کاملا بهم شباهت‌دارد. این بنظر شما علتش چیست؟

ـ نمیدانم شایدعلتش نزدیکی‌دوستان منتقد بهم‌است‌واینکه می‌نشینند و با ماهم تبادل نظرمی کنند.

● ولی‌من‌خیال‌می کنم که منتقدین جوان تحت‌تاثیرقدیمی‌ها هستند. ودرواقع قدیمی‌ها نظرشان‌را به‌جوانها دیکته می کنند.

ـ این‌نظرشماست من‌چیزی‌نمیدانم.

● محافظه‌کاری‌می کنید؟

ـ ابداً. من‌هیچوقت محافظه‌کار نبوده‌ام که حالا باشم. در اینمورد واقعاًچیزی‌نمیدانم.

● خوب برویم سراغ مسائل اساسی‌تر.

ـ بله، چون‌تابحال سعی کرده‌اید مسائل‌جنجال‌برانگیز را مطرح کنید.

● جنجال چاشنی‌مجله‌است.

ـ وشما بااین‌چاشنی بدمزه‌خواننده‌های‌خودرا معتادکرده‌اید. بگذریم... انشاءاله که قصد دارید مسائل اساسی‌تری را پیش‌بکشید.

● پس‌ازسالها نقدنویسی. فکرمیکنم بتوانیدبگوئیدکه آیا کوشش های شماودیگر منتقدین درایجاد یك‌فرهنك سینمائی‌درست درمردم موثربوده‌است یانه؟

ـ متأسفانه‌آن فرهنگ سینمائی‌که ماآرزویش را داشته‌ایم بوجودنیامده و اصولا فرهنگ سینمائی مردم، درگوشه‌وکناردنیا، آن‌فرهنگ‌آرزوشده نیست. دراینجا، نقدفیلم به‌آن‌معنی‌که باید، سازنده نبوده است چون منتقدین خود بدرستی به‌کارخود واقف نبوده‌اند وهرچه‌نوشته‌اند بیشترحاصل شوروشوقشان بوده‌است تا آگاهی واقعی آنها.

بسیاری ازمتنفدین بدلایل بسیاری نتوانسته‌اند نقش خود راکه‌پل‌زدن میان‌فیلم وتماشاگر ودرنتیجه میان فیلمسازوتماشاگر است بخوبی. ایفاکنند وحاصل این عدم توانایی دریافت نادرست تماشاگر ازفیلمهای واقعی شده است. استنباطات بعضی ازمنتقدین ازفیلم‌گاه چنان پیچیده بوده‌که تماشاگر هرگزنتوانسته است‌قبول کند وگاه چنان‌بی‌ارتباط بافیلم‌که تماشاگر آنها را متهم‌به‌نادانی کرده است واین اتهام درستی است.

آن‌عده منتقدی هم‌که‌کم وبیش به‌وظیفه خود وقوف‌وآگاهی دارند یادرنشریات‌کم تیراژ نوشته ومینویسند ویاباآنها مجال نقد تحلیلی داده نمیشود.

اصولا بگذارید مساله را ازریشه بررسی کنیم.

گردانندگان روزنامه‌ها ومجلات‌ایرانی‌باتلقی‌سودجویانه‌ای به فیلمها نگاه می‌کنند وبرایشان مهم نیست که درجوار این سودجویی‌ازسینما باید‌گوشه‌چشمی‌هم به‌فرهنگ‌جامعه‌خودداشته‌باشند.

وقتی مجله‌ای روی جلد وپشت جلد و چند صفحه‌اش را اختصاص به‌خبرهای سینمائی میدهد، هرگز به‌این فکرنمیافتدکه یك صفحه یاحداقل سه‌ستون ازیك صفحه مجله‌اش را به‌نقد وتحلیل وبررسی واقعی ودرست فیلم اختصاص دهد،

اصولا این راضروری نمیداند چون خیال می‌کند ممکن است؛ رابطه مجله به‌آگهی دهندۀ سینمائی لطمه بزند.

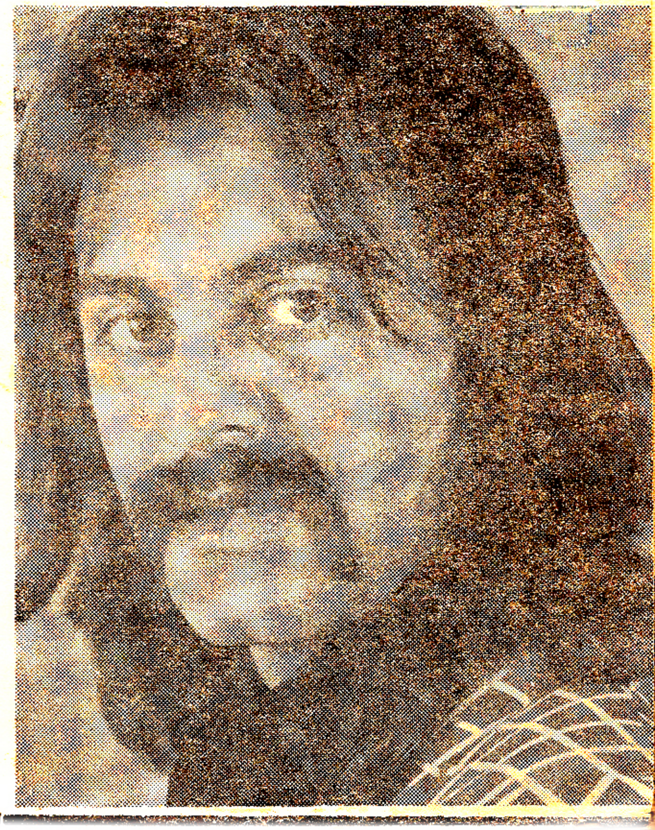
گردانندگان روزنامه‌ها و مجلات آنچنان به‌سینماداره‌ها و تهیه‌کنندگان فیلم‌روداده‌اندکه آنها هر وقت دلشان بخواهد آنها را تهدید می‌کنند ومیگویند.

اگرفلان‌کار رانکنید آگهی نمیدهیم و آنها هم ازترس قالب تهی می‌کنند واجازه نفس‌کشیدن به‌منتقدین خودنمیدهند.

بقیه‌درصفحه ۲۸

دومطلب در باره... دو هنرمند...

گپی با «کوروش یغمائی» خواننده ترانه معروف «گل یخ»



من خودم راخواننده نمیدانم

● خواننده ترانه گل یخ ،همسر ودوفرزند دارد.

● او میگوید تاآخر عمر میخواهم بخوانم.

● آهنگ گـل یخ درکمیته رادیـولندن رتبه اول رابدست آورده است.

● چطورشد که خواننده شدی ؟

یغمائی: بارها گفتم والان هم‌میگویم .من خودم راخواننده نمیدانم !

● پس‌چرامیخوانی ؟

یغمائی: اینکه میگویم خواننده‌نیستم .بحثی است دردنیای موسیقی که من کی‌هستم ودیگری کیست .

نکاتی ازز ندگی خصوصی :

جمیله ر قاصه‌ی جنجالی

● جمیله روزگاری درفقر و تنگدستی بسر میبرد. اماا کنون جزو یکی اززنان پولدار ومشهور بشمار میرود !

● او پس ازمرگ ارباب اعلام کرد که نه لخت میشو دو نه میر قصد...

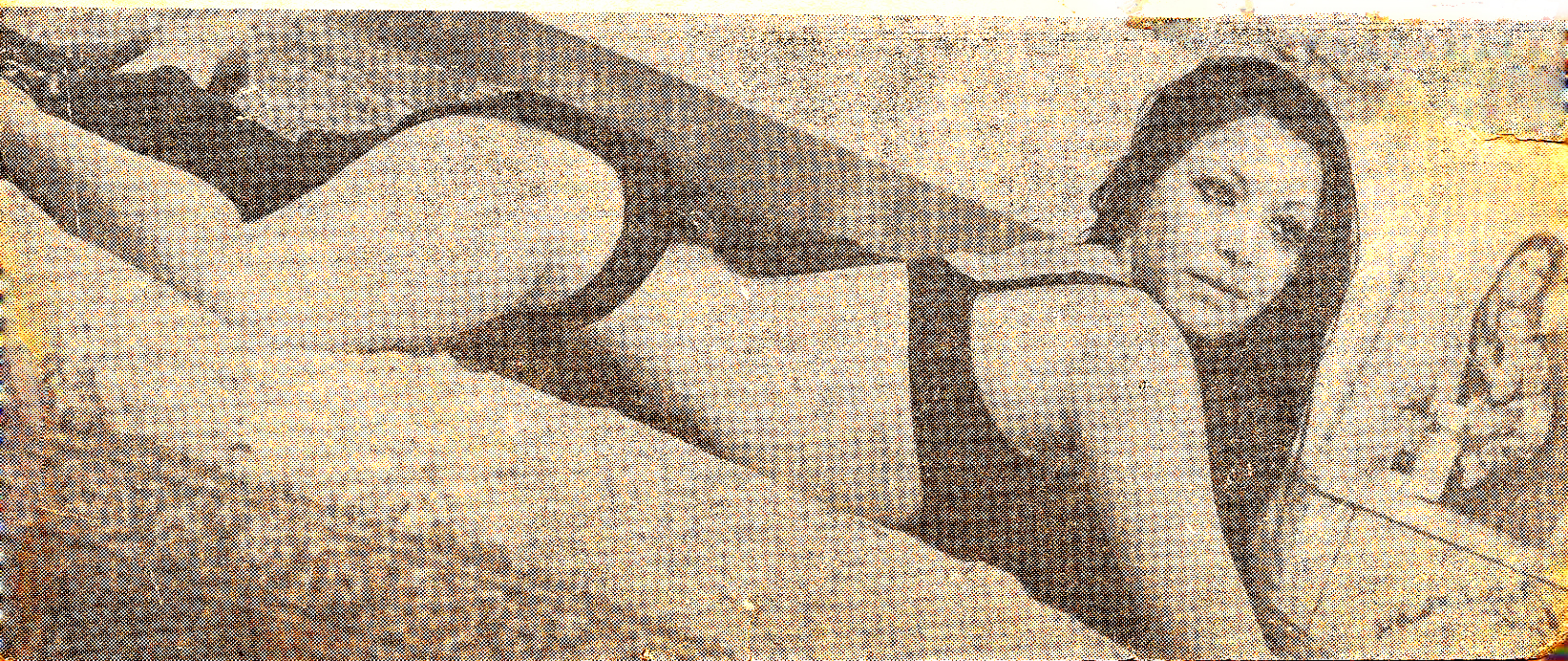
خیلی‌ها دلشان‌میخواهد بدانند که جمیله درزندگیش چکار میکند ، چه‌میخورد ،کجا میرود وباکی نشست‌و برخاست میکند . یکی ازخبرنگاران هنری‌مجله ، پس از کنکاش در زندگی خصوصی جمیله ، این نکات جالب را برای شما جمع‌آوری کرده است .

● ● ●

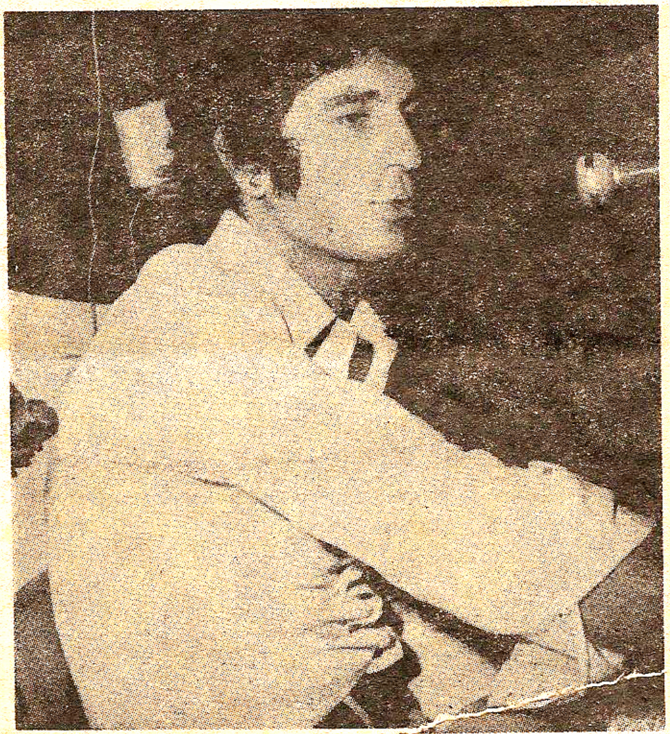
● جمیله‌قبلا همسریك ویلن‌زن‌بوده . این‌ویلون‌زن‌درسابق در کافه‌شمشاد (کاباره مولن‌روژ فعلی) جزودسته ارکستربود .

● زندگی نوجوانی جمیله‌توأم باتنگدستی‌بود ،بطوریکه او هیچگاه تصور نمیکـرد روزی ممکن است از رقـاصان مشهور ایران‌بشود.

● جمیله پس‌ازچند سال‌زندگی‌کردن باشوهر اولش ازاو طلاق‌گرفت ومعشوقه مرحوم محمدکریم اربابشد .



چرا قدر مهرجوئی را نمی‌شناسند؟



مسعود ریاحی

● دربارهٔ داریوش‌مهرجوئی وفیلم‌هایش و بطور کلی‌دیگر کارگردانان جوان‌سینمای‌ایران به‌کرات وبارهاحرف‌زده‌شده و در بیشترموارد بیش‌از استحقاق‌لازمه ـ کارآنها راموردبررسی قرار داده‌اند. وتکرارآن حرف‌ها نه‌تنهاچیز تازه‌ای‌به‌خوانندگان این سطورنمی‌دهد. بلکه‌اتلاف وقت‌آنها نیزهست. اینجا این موضوع موردبحث نیست‌که فلان‌اثر مهرجوئی بهتریا بدتراز آن‌دیگر کارش می‌باشد. بلکه‌سعی شده‌تا آنجاکه مقدورباشد. این سئوال مطرح گرددکه آیااصولا این‌درست است‌که زمانی‌مهرجوئی را با ساختن فیلم‌گاو ومطرح‌شدنش (درفستیوال ونیز) درردیف‌ویسکونتی و پازولینی درآن‌صدر قراردهیم. ودروقتی دیگراو راتا بدین‌درجه پائین‌آورده بهیچ‌می‌رسانیمش (رجوع‌شود به‌مصاحبهٔ‌اخیراحمدرضا احمدی‌در مجلهٔ فیلم‌وهنر).

✡ * ✡

مسئله‌تشویق وجانبداری ازیك‌هنرمند دراین‌دیار بطرز وحشتناکی لوث‌شده‌است. بجای‌آنکه‌کاریك هنرمندرا از دیدگاهی بی‌طرف‌وصرفاًبا توجه‌ورجوع به‌خوداثر واحیاناًنکات‌مثبت‌ومنفی آن موردبحث وموشکافی‌قراردهند. بیشتربه‌روابط پشت پرده و حب و بغض‌های‌شخصی آدمها توجه‌می‌شود واین‌دردناك‌است.

✡ ✡ ✡

داریوش‌مهرجویی درسال۴۶ با بنمایش‌گذاشتن فیلم الماس سی‌وسه به‌تماشاگران وعلاقمندان سینمادر این‌دیار معرفی‌شد. این‌اثر شروع‌خوبی برای‌مهرجوئی نبود و بدون‌شك از نظرگاه ارزشهای سینماتیك وهنری، فیلم‌مردودی بشمارمیرود. مهرجوئی‌سعی کرده بود دراین‌فیلم مجلل‌وپرخرج‌مسئله‌جیمزباندیسم راکه‌درآن‌روز کار سوژه وموضوع‌داغ وموردبحث روزبود به هجو وتمسخربکشد. و متأسفانه‌در طول‌این اثر ۳ساعته خودگرفتار همه آن قراردادها و مسائل‌مربوط‌به‌آن فیلمها (جیمزباندی) و همچنین دیگر فیلم‌های ایرانی شده‌بود! وشایدتنهاامتیازی (اگربشود گفت‌امتیاز) که‌این

بقیه در صفحه ۳۱

مثلا من هیچوقت نمیتوانم خودم رابا (فرانك سیناترا) مقایسه کنم،

باوجودیکه ۲۰سال است باموسیقی سروکاردارم ولی‌درمقابل کسانی‌که دنیای موسیقی‌آنهارا بعنوان یك خواننده‌جهانی قبول کرده‌اند خودم راخواننده نمیدانم.

● مگرشما چندسال‌دارید‌که ۲۰سال‌است موسیقی‌میدانی؟

یغمائی: ۲۶سال. یعنی ۶سال داشتم‌که برادرم‌ویلن میزد و من ازهمان‌دوران بااو تمرین میکردم من‌عاشق موسیقی هستم‌وبدون موسیقی واقعا نمیتوانم زندگی کنم. من‌درچند سال گذشته که گروه پلی بوی راداشتم چندآهنگ خارجی خواندم. بایدبگویم‌که اولین ترانه ایرانی من (لیلا) بودنه‌گل یخ، که البته (لیلا) رابخاطر تفنن درواریته فرشیدرمزی خواندم وچون شعرش(فولکور) بود خیلی گل کرد.

● پس باین‌ترتیب که میگی فاصله خوانندگی تو بین لیلاو گل‌یخ خیلی زیاداست. علت‌این سکوت چه‌بوده؟

یغمائی: اصولا کارخوانندگی باعث‌شدکه خانواده‌ام باحرفه من مخالفت کنند. بهمین‌دلیل تحصیلاتم‌را در رشته‌جامعه شناسی در دانشگاه ادامه دادم.

● بعضی‌ها موفقیت گل‌یخ‌را درجالب بودن آهنك آن‌میدانند نه درصدای‌شما. دراین مورد چه‌حرفی برای گفتن داری؟

یغمائی، اولا ۴ماه‌طول کشید تا آهنك گل‌یخ‌را ازروی‌شعر آن‌و با

بقیه درصفحه ۳۱

● اینطورکه میگویند ارباب هیچگاه با اورسماً ازدواج نکرد، اماجمیله ازاو یکدختر بیادگار دارد.

● اینطورکه درافواه شایع‌شده‌است، ارباب بیش از حد به‌جمیله علاقمندبود، وبهمین‌جهت برای‌مشهورشدن‌او تبلیغات‌وسیع و دامنه‌داری را شروع کردوحتی‌نیمی‌از کاباره‌لیدو را بنام اوکرد.

● جمیله‌پس ازمرك محمدکریم‌ارباب اعلام کردکه درهیچ فیلمی‌شرکت نخواهدکرد ودیگرهیچگاه نخواهدرقصید. امایکماه بعدقرارداد‌بازی‌درفیلم کاکاسیاه‌را بست‌ودیدیم که نه‌لخت‌شدو نه‌رقصید!!

● جمیله‌برای بازی‌در هرفیلمی معادل هشتاد هزار تومان دستمزدمیگیرد.

● اوتاکنون دربیش از پانزده فیلم بازی کرده است که معروفترین آنها، آسمان‌آبی، خوشگلترین زن‌عالم، کاکاسیاه، بندری و کجکلاخان می‌باشد.

● مدتی‌شایع شده‌بودکه‌او ناسیس‌همسرژاکلین کندی‌عاشق، جمیله شده‌است. البته‌اینهم ازآن جنجالهای‌شاخدار بود،

● جمیله‌پس ازمرك‌ارباب بدام‌پرویزحجازی‌مدیرشکوفه‌نو افتادومدتی‌درشکوفه نورقصید.

● جمیله برای‌هرشب‌اجرای‌برنامه، درحدود‌ده‌هزارتومان درآمد داشته‌است.

● مدتی‌شایع بودکه او‌بایکی ازهنرمندان‌معروف‌سروسری دارد. امافعلا هیچ شایعه‌ای در مورداو بر سرزبانها نیست، ولی میتوان حدس‌زدکه زندگی تجرد او بدون‌جنجال‌هم نمیتواند‌باشد. چراکه اخیراً دریکی‌ازمجلات هنری‌و همچنین‌دریك‌مجله‌غیرهنری رابطه‌عاشقانه او‌بایکی ازسازندگان فیلمهای ایرانی‌علنی‌شد،

● به‌جمیله‌لقب‌سکسی‌ترین‌رقاصه‌وهنرمند سینمارا‌داده‌اند. زیراکه اودرتمام فیلمهای‌خودبالاخره‌یك صحنه‌سکسی‌بازی‌میکند.

● میگویند جمیله باتمام این‌تفاصیل دارای‌قلب رئوف و مهربانی است. امادرعوض حاضر نیست‌که ازمبلغ دستمزدخودحتی هزارتومان هم‌بکاهد و به‌صنعت‌سینما خدمتی بکند!!

با «علی حاتمی»

از حسن کچل. تا «ستار خان»

● علی حاتمی دیدی روشنگرانه به فولکلور و ادبیات عامیانه دارد.

نوروز ۱۳۴۹ فیلمی روی اکران سینماهای ایران آمد با نام حسن کچل بازیگران این فیلم پرویز صیاد، کتایون، صادق بهرامی، ثریا بهشتی، نادره ورضیانی بودند. فیلم رنگی بود واولین فیلمی بود که در ایران بطریق ریتمیك (آهنگین) ساخته‌می‌شد.

قصه‌ی حسن کچل براساس افسانه‌های معروفی نوشته شده بود که‌همه‌ی بچه‌ها این افسانه‌ها را به اشکال گوناگون اززبان بزرگترها شنیده‌اندوهر قسمت فیلم‌می‌توانست یادآوردوران شیرین کودکی انسان باشد. رنگی بودن فیلم زیبائی وتنوع صحنه‌ها وفضا، وجودلباسهای زیبای‌قدیمی ودکورهای جالـب و تروکاژها (حقه‌های سینمائی) که خوش‌آیند روحیه‌ی ایده‌آلیستی آدمهاست و بسیاری عوامل دیگر کمك کرد تا حسن کچل در اکران [illegible] اول تهران به‌فروشی بالاتـر ازیك میلیون تومان برسد وسود قابل توجهی عاید علی عباسی تهیه کننده فیلم گرداند.

پرویزصیاد درفیلم حسن کچل تیپ‌تـازه و جالبی گرفت که می‌توان گفت خصوصیات تیپ«صمد» در گزینش این تیپ تازه‌بی‌تاثیر نبوده است. حسن کچل دارای‌همان حرکات واداها وساده لوحی‌های کودکانه صمد بود واین نیزازآن مواردی است‌که خوش‌آیندمردم است چراکه بیشتر آدمهای ظاهراً بزرگ هنوز خصوصیات کودکانه ای درزوایایی ازدرونشان‌دارند‌که ازترس اتهام به‌حماقت از بروز آن جلوگیری می‌کنند وآدمهائی مانند حسن کچل وصمد آنهـا را بخودشان نشان‌می‌دهد.

(پرویزصیاد باوقوف برهمین‌امر بعدها فیلمهای صمدراساخت که فروش قابل‌ملاحظه‌ای داشتند.)

درضمن نا گفته نماند که فیلمنامه‌ی حسن کچل راعلی حاتمی براساس نمایشنامه‌ی حسن کچل که خود نوشته بود تنظیم کرده بود ودرتالار ۲۵شهریور روی صحنه آمدکه نقش‌حسن کچل را هنرمند خوب تاتر پرویـز فنی‌زاده اجرا می‌کرد و کارگـردان آن داود رشیدی بود.

ازدیدگاه هنری‌وفکری «درمجموع» حسن کچل تاتری‌موفق‌تر ازحسن کچل سینمائی‌بود. چراکه حاتمی‌مجبوربود برای‌خوش‌آیند بیشترمردم فیلم رابا پایانی خوش تمام‌کند. البته همیـن پایان در نمایشنامه‌هم بود ولی پایان دیگری هم‌داشت وآن این بودکـه حسن کچل درآخرین لحظه‌ای‌که به‌خواستهای زندگیش نـزدیك می‌شود مجبور است جانش را به‌همزاد خود بدهد.

بهرحال فیلم‌حسن کچل، فیلمسازی را معرفی کـرد با نام علی‌حاتمی که‌نشان‌میداد دیدی‌روشنگرانه به‌فولکورواد‌بیات‌عامیانه ایران دارد.

بعدازحسن کچل‌علی‌حاتمی راباطوقی بیشتر وبهترمی‌شناسیم علی‌حاتمی درطوقی نظری‌به‌قیصر دارد. چه باکنارگذاشتن بهـروز وثوقی‌وناصرملك مطیعی- دوهنرپیشه‌ای‌که باقیصر درخشیدندوسخت مورد توجه‌قرار گرفتند- طوقی‌را به‌توفیقی چشمگیر رسانید.

حوادث فیلم‌طوقی براساس کفتربازی‌بود و محورمـا جراها کبوتری‌بنام‌طوقی.علی‌حاتمی‌در برداشت طوقی‌روالی‌کاملاجداگانه ازقیصرداشت وبخصوص اینکه دراین‌فیلم هرچه بیشتر به‌جنبه‌های مختلف زندگی‌ایرانی می‌پردازد.

یکی‌ازاین جنبه‌هاکه جزو امتیازات‌کارحاتمی‌محسوب‌می‌شود بهره‌گیری بسیارزیبا ودقیقی‌است ازمعماری سنتی‌ایران‌کـه بطور قابل‌پذیرشی درفیلم‌جاافتاده.

بقیه در صفحه ۲۶

● پلاکات فیلم خواستگار که‌علیرغم همه سروصداها باشکست مواجه‌شد

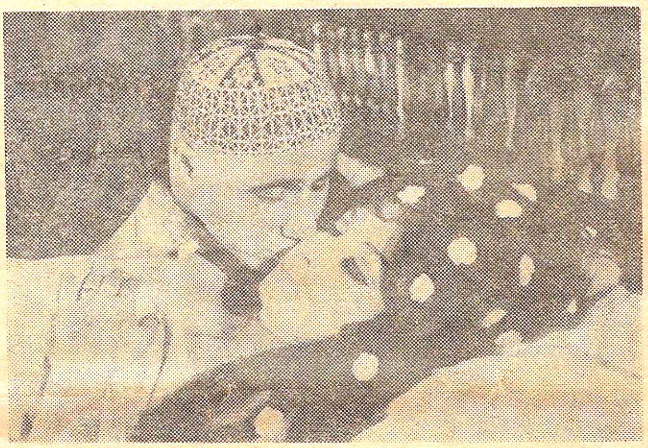


● ملك‌مطیعی درفیلم قلندر



فیلم «طوقی» تمایلی به‌فیلم «قیصر» داشت

● چرا بعد از شکست فیلم «باباشمل» نسبت به‌علی حاتمی بی‌مهری شد!



● حسن کچل اولین فیلم ریتمیک و رنگی که برای علی حاتمی شهرت بارمغان آورد

فردین وفروزان در فیلم پرخرج باشمل



خبرهای داغ درباره هنرمندان سینما

این عاشق شده‌است ؟

دوشادوش یکی از بازیگران جدیدالولاده فیلمهای وطنی دیده میشود.

خبرنگاران فیلم و هنر گزارش میدهند که این جوان خوش‌شانس!! کسی بجز «محسن سهرابی» بازیگر فیلم «هشتمین روز هفته» نیست.

این دونفر بهنگام جشنواره کودکان مرتب با یکدیگر بدیدن فیلم‌میرفتند و همچنین از گوشه و کنار شنیده میشود که‌این عاشق و معشوق تازه‌سینما، دردانسینگ‌های خصوصی هم با یکدیگر دیده میشوند.

بقول راوی ما که بخیل نیستیم. امیدواریم که شیرینی عروسی آنهارا هم‌بخوریم!!



این ستاره‌چشم‌عسلی فیلمهای ایرانی که چند سالی از عالم هنر کناره گرفته بود و با فیلم محلل ناگهان شهرت گذشته‌خودرا بدست آورد، واین روزها حسابی کار و بارش سکه شده است، اخیراً

سهیلا :

من دیگر در فیلم بازی نمیکنم

«سهیلا» هنرپیشه سکسی ومشهورچند ساله اخیر سینما، پس ازیکسال سکوت، اعلام کرد که دیگر درفیلم‌بازی نخواهد کرد.

سهیلا هنگامی این تصمیم را گرفته‌است که درس‌خواندن‌را به سینما ترجیح داده وهمانطور که هفته گذشته نوشتیم‌میخواهد فارغ‌التحصیل‌رشته مهندسی بشود!

اما اینطور که سینماگران میگویند سهیلا بازهم‌درفیلم بازی خواهد کرد. زیرا وی‌تابحال چند بار اعلام کرده که سینما را کنار خواهد گذاشت ولی‌بازهم‌بمحض اینکه قرارداد تازه‌ای بوی‌پیشنهاد شده‌است آنراپذیرفته وببازی درفیلم مشغول‌شده‌است!!.

